

دانشگاه غیر دولتی در ژاپن: چالش‌ها و راهبردها^۱

محمد جواد لیاقت دار^۲

صدیقه کریمی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۰۴/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۰۶/۰۶

چکیده

دانشگاه‌های خصوصی یا غیر دولتی^۴ در کنار سایر مؤسسات آموزش عالی در اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و دستیابی کشورها به اهداف توسعه نقش مهمی بر عهده دارند. به همین دلیل اغلب کشورها از جمله ژاپن به تأسیس و توسعه دانشگاه‌های غیر دولتی همت گماشته و تلاش نموده اند از توانایی‌های بالقوه آنها بهره گیرند. در کشور ما نیز، در سال‌های اخیر مؤسسات آموزش عالی غیر دولتی یا غیر انتفاعی تشکیل شده و توسعه یافته اند. این مؤسسات علی‌رغم ضرورت توسعه کمی، با مشکلات و چالش‌های زیادی روبرو هستند و تا کنون نتوانسته اند وظیفه خود را به خوبی انجام دهند. پژوهش حاضر با بررسی تجربه‌های آموزش خصوصی یا غیر دولتی عالی در ژاپن در صدد است تا راهکارهایی را برای رفع چالش‌های دانشگاه‌های غیر دولتی کشور ارائه دهد. برای این هدف در مطالعه ای کتابخانه ای دوازده مقاله پژوهشی و گزارش پایان

۱. برگرفته از کارپژوهشی آزاد در سال ۱۳۸۸

۲. دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان mjavad_liaghatdar@yahoo.com

۳. دکتری برنامه ریزی درسی و مدرس دانشگاه پیام نور skarimi929@gmail.com

۴. منظور از دانشگاه خصوصی یا غیر دولتی مؤسسه ای است که تحت نظارت و اداره بخش خصوصی است. دولت نظارت اندکی در اداره این مؤسسه دارد [گرچه نظارت اندک به صرف ادعا بیشتر شبیه است]. این مؤسسه که از لحاظ مالی مستقل است در گسترش آموزش عالی به دولت کمک می کند (سایت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۷). در این مقاله دانشگاه خصوصی یا غیر دولتی در ژاپن معادل با *private university* و در ایران معادل با دانشگاه غیر انتفاعی یا غیر دولتی در نظر گرفته شده است.

نامه های دکتری درباره آموزش عالی غیر دولتی ژاپن تحلیل شده است. یافته ها نشان می دهد این نوع آموزش در ژاپن با چالش جهانی سازی آموزش عالی، توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، تغییر ارزش دانش دانشگاهی، کاهش جمعیت افراد جوان، نظارت شدید دولت، مشکلات مربوط به تخصیص سهمیه و رقابت با دانشگاه های دولتی روبرو هستند. برای رفع آنها تا کنون راهکارهایی پیشنهاد و بکار گرفته شده است. مسئولین آموزش عالی می توانند از این تجربه ها برای رفع چالش های مؤسسات آموزش عالی غیر دولتی کشورمان استفاده کنند.

واژگان کلیدی:

آموزش عالی، چالش، دانشگاه خصوصی یا غیر دولتی، راهبرد، ژاپن.

مقدمه

بعد از جنگ جهانی دوم تا ۱۹۹۰ در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، دولت‌ها متولی اصلی آموزش عالی بودند. در این دهه، ضرورت صنعتی شدن، افزایش جمعیت مدرسه رو و به تبع آن تقاضا برای آموزش عالی و جهانی شدن، دولتها با الزام گسترش آموزش عالی مواجه گشتند ولی اغلب آنها توان پرداخت هزینه لازم برای این کار را نداشته و برای پر کردن شکاف میان عرضه و تقاضا، توسعه دانشگاه‌های خصوصی را در دستور کار خود قرار دادند (یونسکو، ۲۰۰۲، ص ۴۸). با شروع قرن بیست و یکم، از یکطرف، از سوی سازمان ملل متحد، آموزش و یادگیری به عنوان یک حق برای عموم اعلام شده و همراه با رواج مفهوم جامعه یادگیری ابعاد تازه‌ای به خود گرفته است (ربیعی، نظریان، ۱۳۹۰، ص ۲۵۰) و از سوی دیگر، ظهور اقتصاد مبتنی بر دانش، تغییر در ترکیب دانشجویان، نبود بهره‌وری در آموزش عالی دولتی، ایجاد فناوری‌های جدید و بی‌اعتمادی مردم به بخش دولتی باعث شده است تا توسعه دانشگاه‌های خصوصی بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد (آل آقا و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۷۵). در سال‌های اخیر، این نوع آموزش در اکثر کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته مانند ژاپن، کره جنوبی و تایوان در گسترش آموزش عالی نقش مهمی ایفا کرده است. دولتها، اقتصاددانها و ملتها انتظار دارند، مؤسسات غیر دولتی هم‌زمان با گسترش فرصت دسترسی به آموزش عالی تلاش کنند تا آموزش عالی به نحو بهتری به اهداف سه‌گانه خود یعنی کیفیت، کارایی و عدالت اجتماعی دست یابد (ربیعی، نظریان، ۱۳۹۰، به نقل از عماد زاده، ص ۲۵۲). از نظر یونسکو دانشگاه‌های خصوصی دارای ویژگی‌های خاصی هستند از جمله اینکه:

- ۱- از نظر تجهیزات و امکانات در سطح بالاتری از دانشگاه‌های دولتی قرار دارند.
- ۲- توانایی پاسخ به نیازهای بازار را در زمان مناسب و لازم دارند.
- ۳- بیشتر از رویکرد فردی برای تدریس بهره می‌گیرند.
- ۴- از بهترین استادان دانشگاه‌های دولتی استفاده می‌نمایند.
- ۵- از تجهیزات و امکانات بسیار خوبی برخوردار هستند و از روش‌های آموزش موثر استفاده می‌کنند.
- ۶- اداره آنها به صورت دموکراتیک انجام می‌شود.

۷- با ارائه آموزش با کیفیت و ایجاد تعادل بین بحث‌های عملی و نظری زندگی متعالی را برای دانشجویان فراهم می‌سازند (یونسکو^۱، ۲۰۰۲، ص ۱۱۵).

نتایج مطالعات و شواهد موجود نشان می‌دهد توسعه کمی آموزش عالی با افت کیفیت همراه بوده است. از این رو، در آغاز قرن بیست و یکم، در حالی که افزایش فرصت‌های یادگیری برای عده بیشتری از افراد ضرورت دارد (آل‌قا و همکاران، ۱۳۸۷، به نقل از کشاورز، ص ۷۶) حفظ و ارتقای کیفیت دانشگاه‌ها نیز به چالش عمده مؤسسات آن تبدیل شده است. در این میان، با توجه به اینکه آموزش عالی غیر دولتی بخش بزرگ و در حال رشد آموزش عالی را تشکیل می‌دهد، توسعه آن نیازمند ایجاد بستر مناسب است تا مؤسسات خصوصی بتوانند برای ارتقای کیفیت خود اقدام کنند (آل‌قا و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۸۰).

در ایران نیز بعد از انقلاب اسلامی، از یک سو، با توجه به افزایش تقاضای عمومی برای استفاده از آموزش عالی و از سوی دیگر، محدودیت‌های مالی دولت در تأمین هزینه‌های دانشگاه‌ها، توسعه آموزش عالی غیر دولتی به عنوان یک نیاز اجتماعی مورد تأکید قرار گرفت و به منظور مشارکت بخش خصوصی، در سال ۱۳۶۴، شورای انقلاب فرهنگی آیین‌نامه تأسیس مؤسسات آموزش عالی غیر دولتی یا غیر انتفاعی را به تصویب رساند. در این آیین‌نامه اهداف دانشگاه‌های غیر دولتی، ارتقای سطح دانش و فرهنگ جامعه، تأمین نیروی انسانی متخصص مورد نیاز جامعه، گسترش آموزش عالی برای پاسخگویی به تقاضای جامعه، کمک به بسیج و استفاده از همه مدرسان و اعضای هیأت علمی در آموزش عالی و ایجاد زمینه مشارکت مردم در اعتلای دانش و پژوهش معرفی شده است (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۷، سایت آفتاب). هم‌زمان در برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز راهکارهایی برای توسعه کمی و کیفی دانشگاه‌های غیر دولتی، پیش‌بینی شده و جایگاه این مؤسسات در کنار مؤسسات دولتی مورد توجه قرار گرفته است (مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، آمار ۸۵-۸۶). در نتیجه این فعالیت‌ها، دانشگاه‌های غیر دولتی به سرعت افزایش یافته‌اند به طوری که در سال ۱۳۸۷ تعدادشان به بیش از ۲۵۰ مؤسسه رسیده که در ۲۷ استان کشور پراکنده‌اند (سایت وزارت علوم،

^۱.UNESCO

تحقیقات و فناوری). آنها در جهت توسعه کمی و کیفی فعالیت‌های خود اهتمام زیادی ورزیده‌اند. آمارها، شواهد و نتایج بررسی‌ها از جمله مطالعه آل آقا و همکاران (۱۳۸۸) نشان دهنده این واقعیت است که روند رشد مؤسسات آموزش عالی غیر دولتی در ایران رو به افزایش می‌باشد. علی‌رغم این رشد، آنها با چالش‌های زیادی روبرو هستند. دانشگاه‌هایی که در سال‌های اخیر تأسیس شده‌اند با آنچه مدل‌های بین‌المللی مطرح می‌کنند همخوان نبوده و تا حدود زیادی به مجموعه نظام تصمیم‌گیری‌ها و مدیریت دولتی وابسته‌اند (نجفی، ۱۳۸۷، ص ۹). مؤسسان دانشگاه‌های غیر دولتی برای فراهم کردن زیرساخت‌های اساسی یک دانشگاه خوب نیاز به سرمایه قابل توجه دارند اما، به دلیل عدم واگذاری اختیارات کامل در رابطه با سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری از آن، توسعه دانشگاه‌های غیر دولتی به کندی انجام می‌شود (اقبالی، ۱۳۸۷، ص ۵). نجفی (۱۳۸۷) معتقد است یکی از مشکلات، عدم وجود فرهنگ پذیرش بخش خصوصی در عرصه آموزش عالی از سوی مسئولین و مردم است و مشکل دیگر، محدودیت‌هایی است که برای صدور مجوز تأسیس دانشگاه‌های غیر دولتی وجود دارد. این دانشگاه مجبور است برای راه‌اندازی هر رشته‌ای مجوزهای متعدد درخواست کند یا برای گرفتن سهمیه ثبت نام دانشجوی، نحوه‌گزینش دانشجوی و بسیاری از مسایل دیگر به وزارت علوم مراجعه کند. علاوه بر این، جذب نیروی متخصص برای آنها دشوار است، زیرا در بین اساتید دانشگاه‌های دولتی، علاقه‌ای برای کار در دانشگاه‌های غیر انتفاعی - غیر دولتی وجود ندارد. دانشگاه‌های غیر انتفاعی یا غیر دولتی نیز قادر به پرداخت دستمزد متناسب با فعالیت نیستند، در نتیجه نمی‌توانند انگیزه‌ی مالی ایجاد کنند (نجفی، ۱۳۸۷، ص ۱۰). معضل دیگر این دانشگاه‌ها تعیین نرخ شهریه از سوی دولت و اعطای کمک‌های مالی از طریق وام‌های بلندمدت با بهره کم است که محدودیت زیادی برای این دانشگاه‌ها ایجاد کرده و ابزاری برای تسلط دولت بر آنها شده است. پایین بودن میزان شهریه‌هایی که این دانشگاه‌ها از دانشجویان دریافت می‌کنند نه تنها امکان تأمین هزینه‌های جاری را فراهم نمی‌کند بلکه پاسخ‌گوی نیازهای آموزشی، خدماتی و رفاهی این دانشجویان نیست (رستمی نسب، ۱۳۸۴، ص ۶۹-۷۰). این وضعیت موجب دامن زدن به نگرانی خانواده‌ها شده و اعتماد آنها را به دانشگاه‌های غیر دولتی کاهش داده است. مجموعه این چالش‌ها موجب شده که متوسط سطح کیفیت دانشگاه‌های غیر دولتی پایین

تر از متوسط سطح کیفی در بخش دولتی باشد (نجفی، ۱۳۸۷، ص ۱۰). با توجه به این واقعیت که بخش خصوصی می‌تواند در توسعه آموزش عالی به منظور تحقق شعار توسعه مبتنی بر دانایی نقش مهمی ایفا کند، رفع معضلات این بخش از آموزش عالی ضروری و اجتناب‌ناپذیر بوده و لازم است، دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی غیر دولتی در جهت رفع چالشها و در نتیجه توسعه کمی و کیفی خود، اقدام کنند (اقبال، ۱۳۸۷، ص ۵). یکی از مهمترین کارها برای یافتن راهکارهای مناسب برای این منظور انجام تحقیق و کسب اطلاعات مناسب درباره تجربیات کشورهای دیگر و به کار گیری آنها متناسب با شرایط کشور ماست. یکی از این کشورها ژاپن است، زیرا کشور ایران و ژاپن اگر چه از لحاظ سطح توسعه یافتگی در بخش اقتصادی با یکدیگر فاصله دارند، اما از لحاظ فرهنگی و اجتماعی مشترکات آنها بسیار است و این وجوه مشترک به مسئولین کشور اجازه می‌دهد تا از تجربیات مربوط به آموزش عالی به ویژه آموزش عالی غیر دولتی ژاپن برای پیمودن سریعتر مسیر توسعه این نوع آموزش بهره بگیرند. شواهد نشان می‌دهد دانشگاه‌های خصوصی یا غیر دولتی نقش عمده‌ای در رسیدن ژاپن به سطح رشد یافتگی کنونی ایفا کرده‌اند. البته در سال‌های اخیر، این دانشگاه‌ها نیز مانند سایر دانشگاه‌ها در ژاپن، با چالش‌ها و مسایل جدی روبرو شده‌اند که امکان فعالیت را برای آنها محدود نموده است. اما با توجه به مزایای این مؤسسات برای تحقق شعارهایی که ژاپن برای خود در قرن ۲۱ مطرح نموده است، دولت، دانشگاه‌های غیر دولتی، صاحب نظران و محققان این کشور اقداماتی را برای رفع معضلات آغاز کرده و طرح‌ها و راهکارهایی را تهیه نموده‌اند.

پژوهش حاضر در صدد است تا با یافتن پاسخ این سؤالها که آموزش عالی غیر دولتی در ژاپن با چه چالش‌هایی روبرو است؟ و دولت، دانشگاه و صاحب نظران ژاپنی چه راهکارهایی را برای رفع این چالش‌ها ارائه نموده‌اند؟ در یابد برای رفع چالش‌های آموزش غیر دولتی در ایران چه راهبردهایی را می‌توان به کار گرفت تا برای توسعه آموزش عالی غیر دولتی در ایران به شکلی علمی تر و خردمندانه تر برنامه ریزی شود و مؤسسات آن بتوانند وظیفه خود را در تولید دانش جدید، برآوردن تقاضای اجتماعی و پرورش نیروی انسانی متخصص مورد نیاز کشور به بهترین شکل انجام دهند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر پژوهشی کیفی و از لحاظ هدف کاربردی است. بر اساس نحوه گردآوری داده ها توصیفی کتابخانه ای می باشد. برای شناسایی تجربه های مربوط به بخش آموزش عالی غیر دولتی کشور ژاپن، از طریق جستجوی کتابها، مجلات و اینترنت دوازده مقاله، گزارش پژوهش و پایان نامه های دکتری در زمینه چالش ها و راهبردهای آموزش عالی خصوصی در ژاپن جمع آوری و با روش تحلیل محتوا تجزیه و تحلیل شدند. برای تحلیل داده ها با استفاده از روش ارائه شده توسط گال^۱ و همکاران (۱۳۸۳) ابتدا متنها به دقت مطالعه و ترجمه شدند. برای اطمینان از صحت ترجمه ها نویسندگان دوباره متنها را مرور نمودند. سپس، محتوای آنها بر اساس سؤالهای پژوهش در دو مقوله کلی چالش ها، راهبردها و اقدامات انجام شده دسته بندی شدند. در مرحله بعد، متنهای مربوط به هر دو بخش بر اساس مفهوم و مساله مورد نظر نویسنده دسته بندی شده و به آنها کدی اختصاص یافت. در مرحله پایانی، مقوله های مشابه مربوط به چالشها در کنار یکدیگر قرار گرفته و دوباره کدگذاری شدند. در بخش راهبردها نیز متنها بر حسب راهبرد و اقدام انجام شده برای رفع هر چالش دسته بندی شده و بار دیگر بر حسب منبع ارائه دهنده راهبرد یا انجام دهنده اقدام، بازنگری و دسته بندی شدند. به این ترتیب، در ژاپن دانشگاهها غیر دولتی دو راهکار و دولت چهار راهکار را برای رفع هفت چالشی که دانشگاههای غیر دولتی با آنها روبرو هستند به کار گرفته اند. صاحب نظران ژاپنی نیز برای رفع آنها شش راهبرد را پیشنهاد نموده اند.

یافته های پژوهش

به طور کلی دانشگاههای غیر دولتی در ژاپن با هفت چالش روبرو هستند. تا کنون این دانشگاهها و دولت ژاپن برای رفع آنها اقداماتی را انجام داده اند. علاوه بر این صاحب نظران ژاپنی این چالشها را مطالعه کرده و برای رفع آنها راهبردهایی را پیشنهاد نموده اند که در جدول شماره یک خلاصه شده است.

^۱.Gall

در این بخش، ابتدا نحوه شکل گیری دانشگاه‌های غیر دولتی در ژاپن به طور مختصر بررسی شده، سپس، یافته های پژوهش که در جدول خلاصه آنها آمده، بررسی و تحلیل شده و در بحث نتیجه گیری راهبردهایی برای رفع چالش‌های آموزش عالی غیر دولتی در ایران ارائه می شود.

جدول شماره ۱. چالش‌ها، اقدامات و راهکارها

چالش	اقدامات و راهبردها
جهانی سازی آموزش عالی	- اتخاذ سیاست‌های مربوط به تبادل دانشجو و عضو هیأت علمی به منظور جهانی سازی آموزش عالی (اقدام انجام شده از سوی دولت ژاپن) - تبدیل رقابت میان دانشگاه‌های دولتی و غیر دولتی به همکاری دوجانبه آنها، اعمال استثنای مالیاتی، تعدیل سطح استانداردهای کیفیت و تعامل فعال با سایر ملتها و فرهنگها (راهبرد پیشنهادی صاحب‌نظران ژاپنی: کاگامی، ۲۰۰۱ و مارچینسون، ۲۰۰۴)
توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی	- تشکیل شورای ملی اصلاح آموزش و پرورش و شورای دانشگاه جدید (اقدام انجام شده از سوی دولت ژاپن) - اعطای استقلال بیشتر به دانشگاه‌های غیر دولتی (اقدام انجام شده از سوی دولت ژاپن) - پرداخت یارانه به منظور بهبود کیفیت آموزش، پژوهش و خدمات (اقدام انجام شده از سوی دولت ژاپن) - یکار گیری مدل‌هایی مانند مدل دانشگاه پاسخ ده به چالش (پیشنهاد صاحب‌نظر ژاپنی: کاگامی، ۲۰۰۱) - توسعه شغلی کارکنان و مدیران از طریق ایجاد مؤسسه های یی مانند مؤسسه مدیریت دانشگاهی (راهبرد پیشنهادی صاحب‌نظر ژاپنی: کاگامی، ۲۰۰۱) - اعطای استقلال و واگذاری اختیارات بیشتر در فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و خدماتی به دانشگاه‌های غیر دولتی (راهبرد پیشنهادی صاحب‌نظران ژاپنی: آگنور، ۲۰۰۱؛ اوزاکی، ۱۹۹۷؛ اوپارا، ۲۰۰۵)
تغییر ارزش دانش دانشگاهی	- تأسیس دانشکده ها و گروه‌های آموزشی جدید (اقدام انجام شده از سوی دانشگاه‌های غیر دولتی ژاپن) - تغییر و نوآوری در برنامه درسی، روش تدریس و ارزشیابی دانشجویان (اقدام انجام شده از سوی دانشگاه‌های غیر دولتی ژاپن) - تشکیل شورای ملی اصلاح آموزش و پرورش و شورای دانشگاه جدید (اقدام انجام شده از سوی دولت ژاپن) - اعطای استقلال و واگذاری اختیارات بیشتر به دانشگاه‌های غیر دولتی (اقدام انجام شده از سوی دولت ژاپن) - یکار گیری مدل‌هایی مانند مدل دانشگاه پاسخ ده به چالش (راهبرد پیشنهادی صاحب‌نظر ژاپنی: کاگامی، ۲۰۰۱) - توسعه شغلی کارکنان و مدیران از طریق ایجاد مؤسسه های یی مانند مؤسسه مدیریت دانشگاهی (راهبرد پیشنهادی صاحب‌نظر ژاپنی: کاگامی، ۲۰۰۱) - اعطای استقلال و واگذاری اختیارات بیشتر در فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و خدماتی به دانشگاه‌های غیر دولتی (راهبرد پیشنهادی صاحب‌نظران ژاپنی: آگنور، ۲۰۰۱؛ اوزاکی، ۱۹۹۷؛ اوپارا، ۲۰۰۵)
کاهش جمعیت افراد ۱۸ ساله	- تشکیل شورای ملی اصلاح آموزش و پرورش و شورای دانشگاه جدید (اقدام انجام شده از سوی دولت ژاپن) - تعدیل استانداردهای پذیرش دانشجو؛ تبدیل رقابت دانشگاه‌ها به همکاری؛ پرداخت یارانه به منظور بهبود کیفیت آموزش، پژوهش و خدمات و تلاش برای جذب دانشجویان خارجی و دانشجویان بزرگسال (راهبرد پیشنهادی صاحب‌نظران ژاپنی: آنزای، ۲۰۰۳؛ مارچینسون، ۲۰۰۴؛ سلرز، ۲۰۰۶ و اوپارا، ۲۰۰۵)

<p>کاهش نظارت دولت بر استانداردهای تأسیس و اداره دانشگاه</p> <p>کنترل توسعه کمی مؤسسات آموزش عالی غیر دولتی از طریق پرداخت کمک هزینه، الزام در تهیه و ارائه گزارش‌های مالی دوره ای مطابق با دستورالعمل‌های تعیین شده توسط دولت (اقدام انجام شده از سوی دولت ژاپن) تشکیل شورای ملی اصلاح آموزش و پرورش و شورای دانشگاه جدید (اقدام انجام شده از سوی دولت ژاپن)</p>	
<p>سیکار گیری مدل‌هایی مانند مدل دانشگاه پاسخ ده به چالش (راهبرد پیشنهادی صاحب‌نظر ژاپنی: کاگامی، ۲۰۰۱) توسعه شغلی کارکنان و مدیران از طریق ایجاد مؤسسه‌هایی مانند مؤسسه مدیریت دانشگاهی (راهبرد پیشنهادی صاحب‌نظر ژاپنی: کاگامی، ۲۰۰۱) اعطای استقلال و واگذاری اختیارات بیشتر در فعالیتهای آموزشی، پژوهشی و خدماتی به دانشگاه‌های غیر دولتی (راهبرد پیشنهادی صاحب‌نظران ژاپنی: اگنور، ۲۰۰۱؛ اوزاکی، ۱۹۹۷، و اوبارا، ۲۰۰۵) تعدیل سطح استانداردهای کیفیت (راهبرد پیشنهادی صاحب‌نظر ژاپنی: مارچینسون، ۲۰۰۴)</p>	
<p>مشکلات مربوط به تخصیص سهمیه ثبت نام دانشجو</p> <p>تشکیل شورای ملی اصلاح آموزش و پرورش و شورای دانشگاه جدید (اقدام انجام شده از سوی دولت ژاپن) پرداخت یارانه به منظور بهبود کیفیت آموزش، پژوهش و خدمات (اقدام انجام شده از سوی دولت ژاپن) سیکار گیری مدل‌هایی مانند مدل دانشگاه پاسخ ده به چالش (راهبرد پیشنهادی صاحب‌نظر ژاپنی: کاگامی، ۲۰۰۱) توسعه شغلی کارکنان و مدیران از طریق ایجاد مؤسسه‌هایی مانند مؤسسه مدیریت دانشگاهی (راهبرد پیشنهادی صاحب‌نظر ژاپنی: کاگامی، ۲۰۰۱) اعطای استقلال و واگذاری اختیارات بیشتر در فعالیتهای آموزشی، پژوهشی و خدماتی به دانشگاه‌های غیر دولتی (راهبرد پیشنهادی صاحب‌نظران ژاپنی: اگنور، ۲۰۰۱؛ اوزاکی، ۱۹۹۷، و اوبارا، ۲۰۰۵) تعدیل سطح استانداردهای کیفیت (راهبرد پیشنهادی صاحب‌نظر ژاپنی: مارچینسون، ۲۰۰۴)</p>	
<p>رقابت با دانشگاه‌های دولتی در جلب اعتماد عمومی، کیفیت فعالیت‌های آموزشی و تأمین منابع مالی</p> <p>کنترل توسعه کمی مؤسسات آموزش عالی غیر دولتی از طریق پرداخت کمک هزینه، الزام در تهیه و ارائه گزارش‌های مالی دوره ای مطابق با دستورالعمل‌های تعیین شده توسط دولت (اقدام انجام شده از سوی دولت ژاپن) تشکیل شورای ملی اصلاح آموزش و پرورش و شورای دانشگاه جدید (اقدام انجام شده از سوی دولت ژاپن) اعطای استقلال بیشتر به دانشگاه‌های غیر دولتی (اقدام انجام شده از سوی دولت ژاپن) جستجوی منابع مالی جدید از طریق سرمایه گذاری‌های بیرونی دارای ریسک کم، افزایش تعهدات تجاری و همکاری با بخش صنعت، گسترش طیف عملکردها از جمله ارائه تسهیلات ورزشی و در انحصار گرفتن برگزاری برخی آزمونها (راهبرد پیشنهادی صاحب‌نظران ژاپنی: ترنر، ۲۰۰۶ و سلرز، ۲۰۰۶) سیکار گیری مدل‌هایی مانند مدل دانشگاه پاسخ ده به چالش (راهبرد پیشنهادی صاحب‌نظر ژاپنی: کاگامی، ۲۰۰۱) توسعه شغلی کارکنان و مدیران از طریق ایجاد مؤسسه‌هایی مانند مؤسسه مدیریت دانشگاهی (راهبرد پیشنهادی صاحب‌نظر ژاپنی: کاگامی، ۲۰۰۱) اعطای استقلال و واگذاری اختیارات بیشتر در فعالیتهای آموزشی، پژوهشی و خدماتی به دانشگاه‌های غیر دولتی (راهبرد پیشنهادی صاحب‌نظران ژاپنی: اگنور، ۲۰۰۱؛ اوزاکی، ۱۹۹۷، و اوبارا، ۲۰۰۵)</p>	

روند تحولات در آموزش عالی غیر دولتی ژاپن

آموزش عالی غیر دولتی در ژاپن، بر اساس مطالعات اوبارا^۱ (۲۰۰۵، ص ۵۵-۴۰) و اگنور^۲ (۲۰۰۱، ص ۱۰-۱۲)، چهار مقطع تاریخی را پشت سر گذاشته است. پس از انقلاب میچی در سال ۱۸۵۸، دولت هم‌زمان با سایر سیاست‌های خود درباره آموزش عالی، اجازه تأسیس دانشکده‌های غیر دولتی را نیز صادر نمود. بعد از آن، در سال ۱۹۰۳ با فرمان جدید امپراطوری، مؤسسات آموزش غیر دولتی مانند مؤسسات عمومی و دولتی به دانشکده فنی و حرفه‌ای^۳ تبدیل شدند. البته در سلسله مراتب دانشگاه‌ها در رده پایین آن قرار داشتند. فرمان امپراطوری در سال ۱۹۱۸، برای دانشکده‌های غیر دولتی فرصتی بود تا به دانشگاه-هایی با این خصوصیات تبدیل شوند: اول) نظام آموزشی دوره‌کارشناسی دارای یک نظام بخش بخشی دانشکده / کالج باشد و هر دانشکده / کالج موظف با شد به یک رشته علمی بپردازد. دوم) هر دانشگاه از چندین دانشکده / کالج تشکیل شود. سوم) به هر دانشکده / کالج اجازه داده شد دوره تحصیلات تکمیلی نیز تأسیس کند. چهارم) به جای تعیین محدودیت برای حداکثر سال‌های تحصیل، حداقل سال‌های تحصیل برای اتمام تحصیل و اخذ مدرک دانشگاهی تعیین شود. پنجم) معیارهای ورود به دانشگاه تغییر داده شود و امکان ورود برای کسانی فراهم گردد که از نظام قدیمی مدارس متوسطه فارغ التحصیل شده‌اند و یا مهارت‌های علمی لازم را قبلاً در جای دیگری کسب کرده‌اند.

در سال ۱۹۵۶ در این نظام، تغییرات جزئی به وجود آمده و از آن زمان تا کنون، نقش اساسی را در صحنه آموزش عالی خصوصی و دولتی ژاپن ایفا کرده است. درون نظام کنونی آموزش عالی ژاپن دانشگاه‌های غیر دولتی تحت نظارت مستقیم وزارت آموزش و پرورش فعالیت می‌کنند. دانشگاه‌های خصوصی یا غیر دولتی، مطابق با «قانون دانشکده خصوصی» مصوب سال ۱۹۴۹، ضمن حفظ ماهیت دولتی‌شان، از استقلال و آزادی عمل برخوردارند. اختیارات وزیر آموزش و پرورش در مورد این دانشگاه‌ها، محدودتر از اختیارات او در مورد دانشگاه‌های دولتی است. برای اطمینان از کیفیت علمی و ثبات

^۱. Obara.

^۲. Egnor

^۳. Training school

مالی، طبق «قانون دانشکده خصوصی»^۱ وزارتخانه اختیارات خود را به شکل ارائه خطوط کلی راهنما، دادن مشورت، اعطای کمک به این مؤسسات و همکاری با آنان حفظ نموده است (اوزاکی^۲، ۱۹۹۷، ص ۱۵۳). در ارتباط با دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های مربوط به مؤسسات آموزش عالی غیر دولتی، وزیر آموزش، فرهنگ، ورزش، علوم و فناوری (MEXT)^۳ ملزم است قبل از اجرای اختیاراتش، با شورای دانشگاه غیر دولتی که در سطح وزارتخانه تشکیل شده و متشکل از رؤسای دانشگاهها، مدیران دانشکده‌ها و متولیان دانشگاههای غیر دولتی است، مشورت کند. با این وجود، نظام جدید دانشگاههای غیر دولتی، الزامها و فشارهایی را پیش‌بینی نموده که ماهیت دولتی دانشگاههای غیر دولتی را تقویت می‌کند. برای مثال، رئیس دانشگاه باید فردی مورد اعتماد دانشکده‌ها باشد و همراه با شورایی مشورتی که متشکل از نمایندگان دانشکده، اعضای هیأت عملی و دانشجویان سابق^۴ است، در بودجه و سایر موضوعات مهم مدیریتی نظارت کند. به این ترتیب، دانشگاه غیر دولتی از بیرون توسط افراد متعهد، مدیریت و تأمین مالی می‌شود و از درون توسط دانشکده‌ها و مدیریت دانشگاه اداره شده و در مورد امور اداری، آموزشی و پژوهشی آن، تصمیم‌گیری می‌شود (اوزاکی، ۱۹۹۷، ص ۱۵۵). هزینه‌های دانشگاه‌های غیر دولتی عمدتاً از طریق پرداخت شهریه از سوی دانشجویان و یا سرمایه‌های شخصی هیأت مؤسس تأمین می‌شود. البته دولت نیز بخشی از هزینه‌های جاری آنها را به صورت بلاعوض پرداخت می‌کند (حیدری عبدی، ۱۳۸۵، ص ۵؛ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۷، سایت سازمان). در سال‌های اخیر، دانشگاه‌های غیر دولتی در ژاپن به سرعت افزایش یافته‌اند. به طوری که در سال ۲۰۱۰، از ۷۴۹ دانشگاه موجود، ۵۸۰ دانشگاه خصوصی یا غیر دولتی^۵ بوده‌اند و بقیه آنها شامل ۸۲ دانشگاه ملی^۶ و ۸۷ دانشگاه محلی^۷ بوده است. درون نظام کنونی آموزش عالی، دانشگاههای خصوصی دارای جایگاه قانونی برابر با دانشگاههای دولتی (ملی و محلی) هستند. اما در عمل شرایط و موقعیت آنها

1. PrivateSchoolLaw

2. Osaki

3. Ministry of Education, Culture, Sports, Science and Technology

4. alumni

5. Private university

6. National university

7. Local public university

متفاوت است. به عقیده تاکاکورا^۱ (۲۰۰۷، ص ۶)، اگر چه در مقایسه با دانشگاه‌های دولتی، مؤسسات خصوصی از نقاط قوتی مانند، هویت قوی دانشگاهی، مدیریت مستقل از کنترل دولت، خودآگاهی و اعتماد به نفس قوی، آزادی عمل در پیوستن به کارهای تحقیقاتی و آموزشی و سرمایه‌گذاری در بخش صنعت برخوردارند، اما از مشکلات متنوع‌تر و حادث‌تری رنج می‌برند...

محققان و صاحب نظران ژاپنی، معتقدند وقوع برخی تحولات در سطح جهانی و ملی مؤسسات آموزش عالی در ژاپن را با چالش روبرو کرده است. بخشی از آنها میان همه دانشگاه‌ها مشترکند اما تأثیر آنها بر دانشگاه‌های دولتی و غیر دولتی متفاوت است و برخی از آنها تنها به دانشگاه‌های غیر دولتی اختصاص دارند. از نظر یونزواوا^۲ (۲۰۰۷، ص ۴۸۳)، اقتصاد دانش و جهانی شدن، کاهش برتری ژاپن در میان کشورهای آسیای شرقی و تغییر خط‌مشی‌های دولت و به عقیده کاگامی^۳ (۲۰۰۱، ص ۲) کاهش سریع در جمعیت ۱۸ ساله ها، جهانی شدن، توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، تغییر ارزش دانش دانشگاهی و مدارج علمی و اخلاق جدید در کار، چالش‌های پیش روی دانشگاه‌های غیر دولتی و دولتی ژاپن است. اوبارا (۲۰۰۵)، کاهش جمعیت ۱۸ ساله‌ها، رشد تعداد دانشگاه‌های غیر دولتی، کاهش نظارت دولت بر الزامات ایجاد دانشگاه، رکود اقتصادی، بیکاری تحصیل کرده‌های دانشگاهی و تنش میان دانشگاه‌های غیر دولتی و دولتی بر سر رسالت دانشگاه: «آموزش برای پرورش شخصیت و توسعه انسانی به جای سوابق علمی» را از جمله چالش‌های پیش روی بخش خصوصی در آموزش عالی می‌داند (ص ۸). از نظر آکابایاشی^۴ (۲۰۰۶، ص ۱۶) وجود چالش‌های کاهش جمعیت ۱۸ ساله، کاهش نظارت دولت، مساله تخصیص سهمیه ثبت نام، رقابت با دانشگاه‌های دولتی و خط‌مشی‌های دولت موجب به وجود آمدن شرایط بحرانی برای دانشگاه‌های غیر دولتی ژاپن شده است.

همان‌طور که این صاحب‌نظران تأکید دارند چالش‌های مذکور تمام مؤسسات آموزش عالی غیر دولتی در ژاپن را تحت تأثیر قرار داده، اما این تأثیرپذیری یکنواخت نبوده است. با

^۱.Takakura

^۲.Yonezawa

^۳.Kagami

^۴.Akabayashi

جمع‌بندی شواهد و اظهارات صاحب نظران، چالشهای پیش روی آموزش عالی غیر دولتی در ژاپن را می‌توان حول محورهای زیر بررسی نمود.

الف- چالشهای آموزش عالی غیر دولتی در ژاپن

• **جهانی سازی آموزش عالی:** محققان ژاپنی با تأکید بر تمایز میان دو واژه جهانی شدن^۱ و جهانی سازی^۲ معتقدند جهانی شدن و واژه های وابسته به آن مفاهیمی هستند که در آموزش عالی ژاپن به تازگی مطرح شده و هنوز برای دست اندرکاران آن ناشناخته هستند و پیامد های این پدیده که عبارتند از ارائه آموزش های بدون مرز توأم با نوآوری و ریسک پذیری و تأسیس انواع جدید دانشگاه، هنوز برای آنها دور از دسترس به نظر می آید (کاگامی، ۲۰۰۱، ص ۲). در حالی که واژه رایج در این کشور جهانی سازی است. جهانی سازی آموزش عالی که تقریباً از ده سال پیش رواج یافته در میان ژاپنی ها به معنی آموزش عالی منحصر به فرد و دارای بهترین کیفیت است. در راستای این هدف، دانشگاه- های ژاپنی به اقداماتی مانند بکار گیری افرادی که با زبان اصیل صحبت می کنند به ویژه مریبان انگلیسی زبان، پذیرش دانشجو از سایر کشورها، برگزاری و هدایت مطالعات گروهی کوتاه مدت برای دانشجویان ژاپنی مقیم خارج از کشور و ... دست زده اند (کاگامی، ۲۰۰۱، ص ۲)، اما شواهد پیچیده ای وجود دارد که نشان می دهد حتی مؤسسات برجسته ژاپنی که در داخل دارای توانمندی بالایی هستند و در بازار جهانی خود را از لحاظ پژوهشی برتر می دانند تجربه کمی در زمینه پذیرش عضو هیأت علمی و دانشجوی خارجی داشته و هنوز تحت تسلط این جریان به سمت خارج قرار دارند. مؤسسات ضعیف تر که اغلب غیر دولتی هستند به دلیل مشکل فقدان استانداردهای علمی و مسایل مالی در این زمینه عقب ترند (پوکارییر^۳، ۲۰۰۹، ص ۱).

یکی از عوامل محدودیت موفقیت دانشگاههای ژاپن در این خصوص، تأکید بر تدریس به زبان ژاپنی است که کمتر در جهان رواج دارد. در نتیجه، دانشگاههای سایر کشورها که به زبان انگلیسی صبحت می کنند، جذابیت بیشتری برای دانشجویان خارجی دارند. مسایل فرهنگی، موقعیت جغرافیایی و بالا بودن هزینه مسکن و سایر هزینه های زندگی نیز باعث

¹. globalization

². internationalization

³. Pokarier

شده تا جذابیت تحصیل در کشور ژاپن کاهش یابد. برای مثال، در میان طبقات متوسط جامعه، جهانی سازی به معنی مهارت در زبان انگلیسی و آشنایی با فرهنگ غرب است و به دلیل تعصب نسبت به حفظ فرهنگ و زبان ژاپنی، پروژه های وزارتخانه برای جذب دانشجو از تمام نقاط دنیا، تا کنون موفق نبوده است و اکثر دانشجویان پذیرفته شده در دانشگاه های ژاپن از کشورهای آسیای شرقی مثل چین و کره بوده است (کاگامی، ۲۰۰۱، ص ۳). در پذیرش همین تعداد محدود دانشجوی خارجی نیز برخی از دانشگاه ها با مشکلاتی روبرو شده اند، زیرا گاهی دانشجویان خارجی مرتکب اقدامات بزهکارانه و استخدام های غیر قانونی می شوند (اوبارا، ۲۰۰۵، ص ۱۱).

در مجموع به عقیده صاحب نظران ژاپنی دانشگاه های دولتی و به ویژه دانشگاه های غیر دولتی در جهانی سازی آموزش عالی وضع مطلوبی نداشته و نیاز به تغییر در خط مشی خود دارند.

• **توسعه فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی:** در ژاپن نیز مانند سایر کشورها توسعه فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی در سال های اخیر محور تلاش ها بوده و نوآوری هایی مانند آموزش از راه دور با استفاده از رسانه های متداول از قبیل مکاتبه از طریق پست الکترونیکی، نوارهای ویدئویی و ضبط صوت، لوح فشرده، تلویزیون و غیره رواج یافته است. قابلیت هایی که این فناوری ها برای ورود به بازار آموزش عالی ژاپن و برقراری ارتباط نزدیک با مؤسسات آموزش عالی سایر کشورها فراهم می کنند، امکان آموزش و یادگیری مجازی را فراهم نموده است. علاوه بر این، پروژه جدیدی که انجمن دانشگاه طراحی و اجرا کرده به تسهیل انجام مسئولیت قانونی دانشگاهها کمک نموده و موجب شده تا تفاوت قایل شدن میان شیوه متداول یادگیری از طریق حضور در دانشگاهها و یادگیری از راه دور کاهش یابد. بنابر این، بیشتر دانشگاه های غیر دولتی ژاپن مانند دانشگاه های دولتی برنامه های یادگیری از راه دور را اجرا کرده یا بزودی اجرا خواهند کرد. توسعه فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی تا کنون ارائه خدماتی مانند جمع آوری اطلاعات بدون توجه به طبقه بندی های کلاسی یا بازیابی پیامهای الکترونیکی شخصی از طریق HTML را فراهم نموده اما هنوز مؤسسات غیر دولتی در فراهم نمودن زیر ساخت های دیجیتالی، نصب شبکه های محلی درون دانشگاهی، پردازش داده های شبکه محور برای ثبت نام دانشجو و

گزارش نمره ها همچنین، پذیرش دانشجو روی خط از طریق شبکه جهانی با چالش روبرو هستند. علاوه بر این اساتید در مقابل انتشار محتوای آموزشی از طریق شبکه مقاومت شدیدی نشان می دهند و مدیریت آنها موضوعی کلیدی برای ایجاد یادگیری مجازی است. همچنین، در دانشگاه‌های غیر دولتی و دولتی ژاپن یک شیوه آموزش مشترک مجازی که بر اساس آن محتواها تنظیم شده و دانشجویان آنها را مطالعه کنند وجود ندارد (کاگامی، ۲۰۰۱، ص ۳).

• **تغییر ارزش دانش دانشگاهی:** از ابتدای شکل گیری آموزش عالی در ژاپن تا دهه ۱۹۶۰، دانشگاه‌ها مرکز تولید دانش بوده و مدارج علمی در انحصار نظام دانشگاهی بود. این مؤسسات در سه بعد تولید دانش، پرورش شخصیت فردی و انتقال میراث فرهنگی به ارائه خدمت می پرداختند و رسالت آنها پرورش نخبگانی بود که برای ساخت ژاپنی مدرن تلاش می کردند. در آن زمان، فارغ التحصیل شدن از دانشگاه کلیدی برای موفقیت در جامعه و راهی برای یافتن شغل در کمپانی‌های بزرگ یا دسترسی به مشاغل و مراتب بالای اداری در دولت محلی یا مرکزی بود. اما از دهه ۱۹۶۰ تا کنون همزمان با افزایش تعداد دانش آموختگان مدارس متوسطه که وارد دانشگاه می شوند، دانشگاهها در ژاپن منبع اصلی عرضه نیروی انسانی به بازار کار شناخته شد و مؤسسات اقتصادی از آنها انتظار داشته اند که به تغییرات در اقتصاد پاسخ دهند. در دهه ۱۹۷۰، پایین آمدن توانایی‌های نظری و کلامی دانشجویان باعث شد تا این مؤسسات از دانشگاه‌ها بخواهند کیفیت دانش آموختگانشان را کنترل نمایند و در دهه ۱۹۹۰، رکود اقتصادی و محدودیت‌های شغلی باعث شده تا تقاضای این مؤسسات برای بکارگیری کارکنان یقه سفید به استخدام نیروی کار فوری یا دانش آموختگان آماده کار تغییر کند. تا آن زمان، آموزش در حین اشتغال فعالیتی مشترک در بیشتر مؤسسات اقتصادی ژاپن بود و به دانش آموختگان دانشگاهی در بدو استخدام، به منظور سازگاری با نیازهای شغلی، آموزش داده می شد، اما با رکود اقتصادی، این مؤسسات در تأمین بودجه و نیروی انسانی کافی برای حمایت از این آموزش‌ها دچار مشکل شده و در نتیجه، خواستار تغییر جهت گیری دانشگاه‌ها از آموزش به حرفه آموزی شده اند. این خواسته، دانشگاه‌های غیر دولتی سستی آموزش مدار را با چالش روبرو کرده است (کاگامی، ۲۰۰۱، ص ۴-۵)، زیرا اولاً، مشاغل‌های لفظی درباره

فاصله میان آنچه آموزش دانشگاهی برای دانشجویان فراهم می کند و آنچه بخش اقتصاد از آموزش دانشگاهها انتظار دارد، ادامه یافته، ثانیاً، نوآوری‌های انجام شده در زمینه آموزش عالی حرفه آموزی محور که در سایر کشورها انجام شده مانند تشکیل دانشگاه‌های جمعی^۱ یا دانشگاه‌هایی که با همکاری یک دانشگاه و یک مؤسسه در بخش صنعت تأسیس شده و فعالیت می کند) آموزش عالی در ژاپن را تحت تأثیر قرار داده و شکل‌های جدید دانشگاه از جمله دانشگاه فونیکس که محور فعالیت آن ارائه آموزش عالی به بزرگسالان است، علت وجودی آموزش دانشگاهی را با چالش روبرو نموده است. ثالثاً، ایده‌هایی مانند ایده توسعه شغلی مداوم برای بیشتر دانشگاه‌های غیر دولتی ژاپن، تازگی دارد. دانشگاه‌های ژاپن، هنوز جمعیت ۱۸ ساله‌ها را مشتریان اصلی خود می‌شناسند که دارای طیف متنوعی از نگرش، استعداد و... هستند و مسوولین هنوز با این مشکل روبرو هستند که چگونه در آموزش دانشگاهی، آموزش عمومی و تخصصی را با هم تلفیق کنند تا به این تنوع پاسخ دهد. علاوه بر این، هنوز ذهنیت اساتید دور از بازار کار است و تأکید بر یادگیری به جای آموزش چالشی جدید برای دانشگاه‌های ژاپن محسوب می‌شود (کاگامی، ۲۰۰۱، ص ۵).

توجه به این نکته مهم است که روی آوردن دانشگاه به حرفه آموزی مستلزم ارتباط بیشتر میان دانشگاه و بخش صنعت است. در این زمینه، اگر چه هم دانشگاه‌های دولتی و هم غیر دولتی وضعیت خوبی ندارند، اما دانشگاه‌های غیردولتی نسبت به دانشگاه‌های دولتی با مشکلات بیشتری روبرو هستند (ولگار^۲، ۲۰۰۷، ص ۱۲۶۳). دانشگاه‌های دولتی که بخش عمده بودجه آنها توسط دولت و بقیه آن از طریق شهریه دانشجویان تأمین می‌شود عامل کلیدی در نظام نوآوری ژاپن شناخته شده و با بخش صنعت در زمینه علوم پایه و مهندسی همکاری دارند. در نتیجه، مشکلات آنها مربوط به نظارت، فشارهای اجتماعی و محدودیت های اعضای هیأت علمی است. در مقابل، دانشگاه‌های غیر دولتی که در تأمین منابع مالی به خود متکی هستند علاوه بر شهریه دانشجویان، کمک‌های اهدایی و فعالیت در زمینه علوم اجتماعی یا علوم انسانی، بقیه بودجه خود را از طریق همکاری با مؤسسات مهم اقتصادی که در زمینه فناوری و علوم قوی هستند، تأمین می‌کنند البته در حالی که این دانشگاه‌ها

1 .corporate university

2 . Woolgar

نسبت به دانشگاه‌های دولتی در این عرصه سابقه ای طولانی تر دارند، اما به دلیل کمبود در تعداد کارکنان محقق و بودجه تحقیقاتی همچنین، تأکید بر آموزش رشته علمی محور، نسبت به دانشگاه‌های دولتی در برقراری ارتباط با صنعت وضع مطلوبی ندارند و تعداد موارد همکاری و عقد قرار داد آنها نسبت به دانشگاه‌های دولتی کمتر بوده است (ولگار، ۲۰۰۷، به نقل از کوندو^۱، ص ۱۲۶۴).

در سال‌های اخیر، گام‌هایی برای رفع این مشکل برداشته شده که اساسا مربوط به دانشگاه‌های دولتی بوده است. از جمله آنها افزایش بودجه صرف شده از سوی دولت بر اساس «قانون اساسی فناوری و علوم» است. این قانون خط مشی‌های مربوط به ایجاد یک نظام جدید ارتباط صنعت و دانشگاه را ارائه می‌دهد. هدف محوری این خط مشی‌ها تضمین شان اجتماعی دانشگاه‌های دولتی است (ولگار، ۲۰۰۷، ص ۱۲۶۴).

• **کاهش جمعیت افراد ۱۸ ساله:** فاصله سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ برای دانشگاه‌های ژاپن، دوران طلایی بوده (اوبارا، ۲۰۰۵، ص ۷)، زیرا در این دوره به طور کلی ثبت‌نام‌ها رو به گسترش بوده است. آمارها نشان می‌دهد، تا سال ۱۹۶۰ ثبت نام به بیش از یک میلیون دانشجو در ۵۲۵ مؤسسه آموزش عالی (اعم از دانشگاه و کالج) رسید، تا سال ۱۹۷۰ این تعداد به ۱/۶ میلیون دانشجو در ۸۵۱ مؤسسه رسید. در سال ۱۹۸۰، ۲/۲ میلیون دانشجو در ۹۶۳ مؤسسه ثبت نام نمودند. بنابراین، روند پذیرش دانشجو در کالج‌ها و دانشگاه‌ها برای افراد ۱۸ ساله در ۱۹۵۰، کمتر از ۱۰ درصد بود، اما به سرعت به ۲۳/۶ درصد افزایش یافت و تا سال ۱۹۸۰، به ۳۷/۴ درصد رسید (اگنور، ۲۰۰۱، ص ۱۵). از این زمان به بعد اعمال سیاست‌های کنترل جمعیت باعث شد تا از سال ۱۹۹۰، جمعیت جوانان ۱۸ ساله رو به کاهش گذارد؛ به طوری که تعداد دانشجویان جوان، در سال ۲۰۰۳ به ۱/۵ میلیون نفر یعنی سه چهارم تعداد آنها در سال ۱۹۹۱ رسید و انتظار می‌رفت تا سال ۲۰۰۹ این تعداد به ۱/۲ میلیون رسد (آنزای^۲، ۲۰۰۲، ص ۲). این تغییر روند باعث شد، در سال ۱۹۹۷ وزارت آموزش و پرورش، طرح آینده پس از سال ۲۰۰۰^۳ را منتشر کند و در آن اعلام نماید دانشگاه‌های ژاپن از سال ۲۰۰۷ یک دوره پذیرش جهانی را تجربه خواهند کرد، زیرا این

¹ .Kondo

² .Anzai

³ .The future plan after the year 2000.

دوره، دورانی خواهد بود که رشد جمعیت ۱۸ ساله‌ها ادامه نمی‌یابد. بنابراین، فضای دانشگاه‌ها بیشتر از جمعیت دانشگاهی خواهد بود و دانشگاه‌ها مجبورند با تمام درخواست‌های ورود به دانشگاه موافقت کنند تا بتوانند سهمیه ثبت نام خود را پر کنند و دانشگاه‌هایی که با ظرفیت خالی مواجه‌اند، مجبور خواهند بود، درهای خود را به روی دانشجویان خارجی بگشایند. در این چشم انداز، بدیهی است، تقاضای ورود به دانشگاه‌ها، به طور کلی متمرکز بر دانشگاه‌های معروف و معتبر خواهد بود و دانشجویان خوب برای ورود به آنها رقابت می‌کنند (مارجینسون^۱، ۲۰۰۴، ص ۹). در نتیجه، دانشگاه‌های غیر دولتی به ویژه آنهایی که در رتبه‌های پایین‌تر قرار دارند، کاهش در تقاضا را تجربه می‌کنند. این به معنای شروع از دور خارج شدن دانشگاه‌های غیر دولتی در ژاپن است (اوبارا، ۲۰۰۵، ص ۱۲)، زیرا طبق قانون، دانشگاه‌ها و دانشکده‌هایی که تعداد ثبت نام کنندگانشان از حد نصاب تعیین شده توسط وزارت آموزش و پرورش کمتر باشد، نیاز به تجدید اعتبار حقوقی خود دارند تا از بسته شدن آنها جلوگیری شود. علاوه بر این، کاهش تعداد ثبت نام برای بسیاری از دانشگاه‌های کوچک و جدید که تنها بر درآمد ناشی از شهریه برای اداره امور خود تکیه دارند، یک تهدید محسوب می‌شود (آکابایاشی، ۲۰۰۷، ص ۱).

• **کاهش نظارت دولت بر استانداردهای^۲ تأسیس و اداره دانشگاه: کاهش**

نظارت دولت بر الزامات تأسیس و اداره دانشگاه‌ها همیشه منجر به نتایج مثبت نمی‌شود. این کاهش نظارت، در ژاپن، موجب افزایش تعداد دانشگاه‌های غیر دولتی و پیدایش شکلهای جدید مؤسسات آموزش عالی شده است. آمارها نشان می‌دهد بخش دولتی در آموزش عالی مشغول بازسازی ساختاری از طریق ادغام کردن و کوچک نمودن سهم خود در آموزش عالی است. به طوری که تعداد دانشکده‌های دولتی از ۱۰۰ دانشکده در سال ۲۰۰۳ به ۸۷ دانشکده در سال ۲۰۰۴ کاهش یافته است. در مقابل، بخش خصوصی در حال گسترش سهم خود در عرصه آموزش عالی است. به طوری که تعداد دانشگاه‌ها و کالج‌های غیر دولتی از ۵۲۶ مؤسسه در سال ۲۰۰۳ به ۵۴۲ مؤسسه در سال ۲۰۰۴ رسیده است و علاوه بر این، دانشگاه‌ها و کالج‌های موجود هنوز به فعالیت خود ادامه داده و درصد

3. Marginson
2. requirements

گسترش دانشکده‌ها و رشته‌های تحصیلی خود می‌باشند (اوبارا، ۲۰۰۵، ص ۱۶). این درحالی است که جمعیت دانشجویان یعنی گروه ۱۸ ساله‌ها در حال کم شدن است و مؤسسات غیر دولتی آموزش عالی، دیگر بیش از این نمی‌توانند ظرفیت خود را با پذیرش تعداد بیشتری دانشجو پر نمایند و ادامه گسترش بی‌رویه، منجر به ورشکستگی تعداد زیادی از دانشگاه‌های غیر دولتی خواهد شد (اوبارا، ۲۰۰۵، ص ۱۶-۱۷). علاوه بر این، با تصویب و اجرای «قانون اصلاحات ساختاری طراحی شده منطقه»^۱ در دسامبر ۲۰۰۲ بخش خصوصی وارد عرصه سرمایه‌گذاری سود ده در خدمات آموزش عالی شده است. مطابق با این قانون بخش اصلاحات ساختاری به صورت سازمان‌های ایالتی محلی تشکیل شده است. این بخش به کمپانی‌های موجود در ایالات اجازه ایجاد دانشکده‌های انتفاعی را داد تا از طریق پژوهش و آموزش نیاز محور، به تقاضای محلی پاسخ داده و به بهبود وضع منطقه خود کمک کنند. تسهیلات و بخشی از سرمایه و منابع مالی مورد نیاز این دانشکده‌ها توسط وزارت‌خانه تأمین شده و در صورت نیاز و عدم توانایی در تأمین فضای کافی برای کلاس درس به آنها اجازه داده شده است تا به ارائه آموزش دانشگاهی اینترنت محور بپردازند.

تأسیس و گسترش این دانشکده‌های سود ده (انتفاعی) با دانشگاه‌های غیر دولتی از سه جهت تفاوت دارد. اول آنکه، بیشتر دانشگاه‌های خصوصی وابسته به شهریه و کمک‌های مالی دانشجویان هستند در حالی که منابع اصلی مالی دانشکده‌های انتفاعی توسط کمپانی‌هایی که سرپرستی آنها را بر عهده دارند، تأمین می‌شود و فلسفه وجودی آنها بازده‌های مالی است. دوم آنکه، دانشکده‌های انتفاعی، دارای چشم‌اندازهای متفاوت هستند. هر یک از آنها برنامه‌های ویژه‌ای را برای دوره‌های کارشناسی در رشته‌های مختلف ارائه می‌دهند و گاه اهداف و رسالت‌هایی را برای خود تعریف می‌کنند که با واقعیت‌های نظام آموزش عالی ژاپن متفاوت است. آخرین تفاوت، این واقعیت است که دانشگاه‌های انتفاعی تحت چارچوب قانونی که بخش اصلاحات ساختاری طراحی شده، ارائه نموده فعالیت می‌کنند و از امتیاز کاهش نظارت دولت بهره‌مندند که دانشگاه‌های غیر دولتی از آن محروم هستند. برای مثال مؤسسات انتفاعی الزاماً نیاز به داشتن ساختمان ندارند در حالی که مؤسسات غیر

¹ The Designated Structural Reform District Law

دولتی ملزمند تسهیلات و زمین مناسب فراهم کنند و در مورد تعداد و کیفیت اعضای هیأت علمی و مدیران خود مسئولند (اوبارا، ۲۰۰۵، ص ۱۸-۱۷). این تفاوتها باعث شده تا عرصه فعالیت برای دانشگاه‌های غیر دولتی محدود شده و قادر به رقابت با مؤسسات انتفاعی نباشند. ضمن آنکه این مؤسسات نیز برای رقابت با دانشگاه‌های غیر دولتی، نیازی احساس نمی‌کنند.

واقعیت دیگری که در زمینه نظارت دولت بر نظام آموزش عالی غیر دولتی وجود دارد این است که حتی پس از تغییرات اساسی اخیر در سال ۲۰۰۴، وزارتخانه آموزش و پرورش هنوز نظارتی شدید همراه با تمرکز قوی بر دانشگاه‌های غیر دولتی دارد. اختیار صدور مجوز برای ایجاد مؤسسات جدید و مجوز اجرای برنامه‌های علمی (آموزش‌های اصلی) جدید در هر نوع مؤسسه آموزش عالی در دست وزارت خانه است. لذا به وسیله‌ی مرور طرح اولیه برنامه درسی، امکانات، نسبت دانشجو به عضو هیأت علمی و تقاضا برای ثبت نام در آن برنامه، بر تهیه و اجرای هر برنامه جدیدی نظارت می‌کند. اگر دانشگاهی غیر دولتی بخواهد برنامه تصویب شده خود را تغییر دهد، به ویژه هنگامی که تغییر به افزایش در کل ثبت‌نام‌های مؤسسه مربوط باشد، لازم است از سوی وزارتخانه مجوز دریافت کند. چنین مجوزی برای دانشگاه‌های دولتی لازم نیست. این نظارت توأم با تبعیض بر دانشگاه‌های غیر دولتی، تصمیم‌گیری عقلانی و به موقع توسط این دانشگاه‌ها را غیر ممکن می‌سازد (آکابا‌یاشی، ۲۰۰۷، ص ۱). علاوه بر این، در برنامه‌ها و طرح‌های تصویب شده درباره آموزش عالی بر محورهای خاصی تأکید می‌شود. برای مثال در سال ۱۹۹۸، در گزارش شورای دانشگاه، گفته شده که کالج‌ها در قرن ۲۱ مجبورند تنوع^۱، یگانگی^۲ و جهانی شدن را بپذیرند. این عبارت حاکی از این پیام است که تصویب برنامه‌های جدید مشروط به آن است که در آن‌ها مطالبی درباره این کلمات کلیدی وجود داشته باشد. تحت این فشار، مؤسسات آموزش عالی هنگامی که بخواهند برای مثال سهمیه جدید دانشجو دریافت کنند، باید تلاش نمایند از این پیشنهادها پیروی کنند. در مجموع نظارت شدید، در تمام ابعاد عملکرد در دانشگاه‌های غیر دولتی به ویژه آنهایی که در مراتب پایین رتبه‌بندی قرار دارند،

¹. diversity

². uniqueness

تأثیر گذاشته و مانع انطباق انعطاف پذیرشان از لحاظ اندازه و محتوا با معیارهای آموزشی می‌شود (آکابایاشی، ۲۰۰۷، ص ۲-۱).

• **مشکلات مربوط به تخصیص سهمیه ثبت نام دانشجو:** سهمیه ثبت نام یکی از جنجال برانگیزترین و مشکل سازترین مسائل در نظام آموزش عالی ژاپن به ویژه برای دانشگاه‌های غیر دولتی است. تخصیص سهمیه ثبت نام برای تمام مؤسسات آموزش عالی اعم از دولتی (ملی و محلی) و غیر دولتی انجام می‌شود و در ظاهر به نظر می‌رسد هیچ فشاری از سوی دولت در این زمینه وجود ندارد. درحالی که مقدار اختصاص یافته برای مراکز آموزش عالی غیر دولتی، صریحاً به این موضوع بستگی دارد که آیا برنامه‌های آن‌ها با شرایط آموزشی مصوب از جمله میزان ثبت نام همخوانی دارد یا نه؟. مؤسساتی که نرخ ثبت نام آن‌ها ۵۰ درصد پایین‌تر از تعداد ثبت نام تعیین شده باشد احتمال دارد با قطع کمک مالی دولت به دلیل عدم انجام کامل تعهدات، مواجه شوند.

برای دانشگاه‌های غیر دولتی، افزایش سهمیه ثبت نام هنوز مستلزم تشریفات اداری و مذاکرات بسیار است و با اجرای اصلاحات اخیر چیزی از این تشریفات کاسته نشده است. از آنجا که وزارت خانه علاقه‌ای به دادن سهمیه جدید دانشجو به هیچ مؤسسه‌ای ندارد، هنگامی که برای اولین بار نرخ ثبت نام در مؤسسه‌ای پایین‌تر از حد تعیین شده باشد، تقاضای افزایش سهمیه بعید خواهد بود. بنابراین، دانشگاه‌های غیر دولتی درصددند از ابتدا، کل سهمیه خود را بالاتر از آنچه مورد نیاز است انتخاب کنند و به تطبیق آن با تعداد واقعی دانشجویان که متناسب با تجهیزات و امکانات آنان است، علاقه‌ای ندارند، زیرا تمام شرایط آموزشی این دانشگاه‌ها وابسته به سهمیه ثبت نام آنان است (آکابایاشی، ۲۰۰۷، ص ۲).

• **رقابت با دانشگاه‌های دولتی:** یکی از چالش‌های عمده دانشگاه‌های غیر دولتی در ژاپن، رقابت با دانشگاه‌های دولتی در زمینه‌هایی مانند جلب اعتماد جامعه، فعالیت‌هایی آموزشی و تأمین منابع مالی است. وزارت آموزش و پرورش همواره در طول تاریخ طرفدار و حامی بخش دولتی در آموزش عالی بوده است و دانشگاه‌های دولتی همواره در رأس سلسله مراتب دانشگاهی قرار داشته‌اند و بهترین دانشجویان را پذیرفته‌اند. اگر چه دانشگاه‌های غیر دولتی برای شکستن این ساختار سلسله مراتبی تلاش نموده‌اند اما موفق نشده‌اند، زیرا دانشگاه‌های دولتی ریشه در دانشگاه‌های امپراطوری دارند که ویژگی بارز آنها نخبه

گرایی بود. این دانشگاه‌ها نسبت به دانشگاه‌های غیر دولتی، با گرفتن شهریه کمتر، از دانشجویان خود حمایت می‌کنند. بنابراین، مردم به دلیل سابقه تاریخی، شهرت، آموزش نخبه‌گرا، اعتبار و احترام اجتماعی و البته منافع با ارزش ناشی از تحصیل در دانشگاه‌های دولتی، آنها را تصدیق و تأیید می‌کنند و والدین برای فرستادن فرزندان خود به چنین دانشگاه‌هایی تلاش می‌کنند. در مقابل، مردم معمولاً به دلیل شهریه گران و پایین بودن بازده علمی و قرار گرفتن در مراتب پایین سلسله مراتب دانشگاهی، نسبت به دانشگاه‌های غیر دولتی اعتماد خود را از دست داده‌اند.

بعد دیگر رقابت، کیفیت برنامه‌های درسی و آموزش است. برخی از صاحب‌نظران ژاپنی از جمله پوکاریر (۲۰۰۹) معتقدند دانشگاه‌های ژاپنی اعم از دولتی و خصوصی، در تدریس و ارزیابی دانشجویان خود جزء ضعیف‌ترین دانشگاه‌های جهان می‌باشند و این ضعف ناشی از عوامل خاصی است که در محیط بلافصل آنها وجود دارد. یکی از این عوامل آن است که اعضای هیأت علمی ژاپنی به پژوهش توجه بیشتری داشته و تعهدشان نسبت به تدریس کمتر از همتایانشان در کشورهایمانند آلمان، آمریکا و انگلستان است. آنها اغلب به دلیل بزرگ بودن کلاس‌های درس، به تدریس یک سویه می‌پردازند (پوکاریر، ۲۰۰۹، به نقل از اندرز و تیچلر^۱، ص ۱۴). عامل دیگر کیفیت برنامه‌های درسی است. در گزارش کارگروه انجمن مرکزی آموزش و پرورش که منعکس‌کننده دیدگاه‌های وزارت‌خانه می‌باشد، آمده علی‌رغم آنکه دانشگاه‌ها اطمینان خاطر دانشجویان برای دستیابی فوری به شغل را در الویت قرار می‌دهند، اما سطح توانایی که در صدد پرورش آن در دانشجویان می‌باشند، مشخص نیست. مدل برنامه درسی رایج در دوره‌های چهارساله، در دوران پس از جنگ، دو سال آموزش عمومی و به دنبال آن دو سال آموزش تخصصی تر در یک رشته علمی خاص بوده است. از سال ۱۹۹۱ که دانشگاه‌ها از آزادی بیشتری در طراحی برنامه‌های درسی برخوردار شده‌اند، این مدل به دقت دنبال نمی‌شود. علاوه بر این، وزارت‌خانه نیز به جای افزایش الزام مطالعات عمومی، اخیراً طرح‌هایی ارائه نموده که اهداف معین مربوط به یک رشته علمی خاص را دنبال می‌کنند و دانشگاه‌ها باید اثبات کنند که دانش‌آموختگانشان به آنها دست یافته‌اند. در نتیجه، در بسیاری از دانشگاه‌ها، برنامه درسی بر

^۱.Anders and Tighler

اساس منطق آشکاری سازمان‌دهی نشده است و به دانشجویان اجازه داده می‌شود دروس متنوعی را بر اساس برنامه درسی ترم قبل و بر حسب ضرورت انتخاب کنند و بگذرانند. اظهارات ضمنی وزارت‌خانه نیز حاکی است به دلیل افزایش بیش از حد تعداد دانشگاه‌ها نسبت به تقاضای داخلی، قصد دارد استانداردهای علمی را کاهش دهد (پوکایر، ۲۰۰۹، ص ۱۵-۱۴). بنابر این، اکثر دانشگاه‌های ژاپن با چالش کیفیت آموزش روبرو هستند و در این شرایط، دانشگاه‌های غیر دولتی به ویژه آنهایی که در رتبه‌های پایین‌تر قرار دارند، در مورد برنامه‌های درسی ناکارآمد و پایین بودن کیفیت آموزش مورد انتقاد قرار می‌گیرند. دانشجویان و والدین ادعا می‌کنند، دانشگاه‌های غیر دولتی، استخدام پس از اتمام تحصیلات را تضمین نمی‌کنند در حالی که شهریه بالاتری نسبت به دانشگاه‌های دولتی می‌گیرند. رواج این عقیده باعث شده تا این مؤسسات به جای آنکه در صدد توسعه دانش علمی و مشوق اجتماعی شدن دانشجویان باشند، به مکانی برای حرفه‌آموزی و ارائه آموزش برای موفقیت در آینده تبدیل شوند. واضح است در چنین شرایطی، اکثر دانشگاه‌های غیر دولتی مجبورند میان ابعاد فلسفی و رسالت‌های تعریف شده خود و خط مشی علمی‌شان تعادل برقرار کنند. همچنین، پاسخ‌گوی انتظارات جامعه، مشتریان و سایر علاقه‌مندان باشند. در غیر این صورت آنها، دانشگاه‌های غیر دولتی را ترک کرده و به مؤسساتی روی خواهند آورد که حداقل تلاش می‌کنند به تقاضای اجتماعی پاسخ دهند (اوبارا، ۲۰۰۵، ص ۱۹-۱۸).

بعد سوم؛ رقابت با دانشگاه‌های دولتی، تکمیل سهمیه ثبت نامی تعیین شده از سوی وزارت آموزش و پرورش است. اگر چه نرخ ثبت نام در مؤسسات آموزش عالی بین سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۷ یک درصد کاهش یافته است، اما ارقام مربوط به ثبت نام دانشجویان سال اول، حدود یک درصد افزایش را نشان می‌دهد. این بدان معناست که تعداد بیشتری از دانش‌آموزان شرکت کننده در آزمون ورودی دانشگاه‌های دولتی موفق به ورود به این دانشگاه‌ها شده‌اند. در نتیجه، دانشکده‌ها و دانشگاه‌های غیر دولتی دارای رتبه پایین مجبور شده‌اند تمام شوک جمعیتی را تحمل کنند و اغلب آنها نتوانند در ابتدای سال تحصیلی، سهمیه ثبت نام خود را تکمیل کنند. به طوری که طبق بررسی مؤسسه کمکهای مشترک

برای دانشکده های غیر دولتی ژاپن^۱، در بهار سال ۲۰۰۵، ۲۹/۵ درصد از دانشگاه های غیر دولتی (۱۶۰ مؤسسه) نتوانستند مطابق با سهمیه ثبت نامشان دانشجو ثبت نام کنند، ۷ مؤسسه کمتر از ۵۰ درصد سهمیه، ثبت نام کردند و یک مؤسسه موفق شد فقط ۱۴ درصد از سهمیه خود را ثبت نام کند. سال بعد، ۴۰ درصد از دانشگاه های غیر دولتی نتوانستند سهمیه ثبت نام خود را پر کنند و در سال ۲۰۰۸، تقریباً نیمی از کل دانشگاه های غیر دولتی در پر کردن سهمیه ثبت نام دانشجوی خود شکست خوردند (پوکاریر، ۲۰۰۹، ص ۱۴۹). بنابر این، با کاهش تعداد دانشجویان، این دانشگاه ها مجبور به پذیرش دانشجویانی هستند که آمادگی کمتری دارند و از لحاظ کیفیت آموخته ها نسبت به گذشته، تفاوت بیشتری را نشان می دهند. به همین دلیل فاصله میان آمادگی دانشجویان و انتظارات دانشگاه از آنها، هر سال افزایش می یابد. تنها راهی که به این مؤسسات کمک می کند تا به حیات خود ادامه دهند آن است که استاندارد های کیفیت فعالیتهایشان را کاهش دهند تا بتوانند تقاضای دانشجویان دارای کیفیت پایین تر را برای ثبت نام بپذیرند. پیامد این کار، کاهش بیشتر کیفیت آموزشی این دانشگاه ها است (آکابایاشی، ۲۰۰۷، ص ۲).

بعد دیگر رقابت دانشگاه های غیر دولتی با دولتی، تلاش برای دستیابی به منابع مالی است. این رقابت در تاریخ آموزش عالی ژاپن سابقه ای طولانی دارد. همواره حمایت های تعیین شده در قانون برای بخش خصوصی و دولتی، به شکل قابل توجهی متفاوت بوده و وزارت آموزش و پرورش نیز در اجرای آنها ناعادلانه رفتار کرده است. برای مثال، در طی سال های ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۹، میزان منابع هزینه شده از سوی دولت برای آموزش عالی افزایش یافته و سهم آن از ۳۹/۰ درصد به ۵۶/۰ درصد از تولید ناخالص ملی رسید و سهم عمده ای از آن مربوط به سوبسیدهایی بود که دولت به دانشگاه های غیر دولتی پرداخت تا بر مشکلات خود فایق آیند. اما به دلیل تنگناهای مالی این روند از ۱۹۷۹ متوقف شد. در نتیجه، این دانشگاه ها به شرایط قبلی خود بازگشتند. در این زمان، دانشگاه های دولتی به دلیل ادامه سوبسیدهای دولت، توانستند کیفیت تدریستان را حفظ کنند اما دانشگاه های غیر دولتی مجبور شدند با افزایش شهریه دانشجویان، صرف بخش مهمی از بودجه دولتی خود برای پرداخت وامهای بلند مدت و تغییر هدف گذاری خود به سمت تأمین برتری مالی و

1.Promotion and Mutual Aid Corporation for Private Schools of Japan

فیزیکی، جایگاه خود را در عرصه آموزش عالی حفظ کنند اما مشکل کیفیت آموزش در این مؤسسات همچنان پا برجا ماند (موتوهیسا^۱، ۱۹۸۸، ص ۴۲-۴۱). البته تا کنون اصلاحات در خط مشی ها انجام شده اما همچنان وزارت آموزش و پرورش در بودجه بندی منابع مالی و ارائه حمایت ها و همکاری های خود با دانشگاه ها، سهم بسیار کوچکی به بخش خصوصی اختصاص می دهد. در نتیجه، با وجود آنکه در ۵۴۲ دانشگاه غیر دولتی در سال ۲۰۰۴، ۱/۹۴۱/۰۳۳۳ نفر دانشجو مشغول به تحصیل بود ند، تنها ۶ درصد از بودجه آموزش و پرورش را دریافت کردند. در مقابل، سهم ۸۷ دانشگاه دولتی با ۴۵۹/۸۰۴ نفر دانشجو، ۲۳ درصد از کل بودجه بوده است (اوبارا، ۲۰۰۵، ص ۵۵). علاوه بر این، کاهش درآمدهای مالیاتی باعث شده تا دولت سیاست های سخت گیرانه ای را در مورد بودجه دانشگاه ها اتخاذ کند. از سال ۲۰۰۴ دولت تصمیم گرفته برای کاهش هزینه ها، هر ساله یک درصد نسبت به سال قبل از بودجه دانشگاه های دولتی و غیر دولتی بکاهد (ترنر^۲، ۲۰۰۶، ص ۱). بنابراین، اصلاحات انجام شده تحت نظام آموزشی بسیار متمرکز، در عمل هیچ فایده ای برای بخش غیر دولتی نداشته و این بخش همواره با بحران کمبود منابع مالی روبرو بوده و هست.

بدیهی است تأثیر چالش های یاد شده به صورت جداگانه نیست، بلکه آنها با هم ترکیب شده و تأثیری عمیق بر دانشگاه های غیر دولتی گذاشته اند. در پاسخ به آنها، دانشگاه های غیر دولتی و دولت ژاپن فعالیت های جدی را آغاز نموده اند. صاحب نظران و محققان ژاپنی نیز با مطالعه و بررسی ابعاد مختلف شرایط، راهکارهایی را برای مقابله با آنها ارائه نموده اند، که بخشی از آنها در ادامه بررسی می شود.

ب- اقدامات و راهکارها برای رفع چالش ها

• اقدامات دانشگاه های غیر دولتی: مسائل و مشکلات یاد شده از دهه ی ۱۹۸۰، به شکلی بارز و آشکار، شروع به نشان دادن خود نمودند و در پاسخ به آنها دانشگاه های غیر دولتی پیش قدم شدند، زیرا این مؤسسات از دانشجویان شهریه دریافت می کنند و دانشجویان از آنها برای دریافت خدمات آموزشی، تقاضایی بیش از دانشگاه های

1. Motohisa

2. Turner

دولتی دارند. لذا به گفته پول^۱ (۲۰۰۳)، دانشگاه‌های غیر دولتی که در آن زمان با افزایش تقاضا به دلیل رشد جمعیت ۱۸ ساله‌ها مواجه بوده و باید برای ارائه فرصت‌های آموزشی در مسابقه‌ای جدید شرکت کنند، انجام تغییرات جدی را سرلوحه کار خود قرار دادند. این نهضت تغییر، در ابتدا، محتوای خدمات آموزشی را مورد توجه قرار داد و نقطه شروع آن تأسیس دو دانشکده: مدیریت سیاسی^۲ و اطلاعات محیطی^۳ در سال ۱۹۹۰، توسط قدیم-ترین دانشگاه غیر دولتی یعنی دانشگاه کیو بود. این کار با تأسیس دپارتمان‌های مطالعات ملی، اطلاعاتی، فرهنگی، محیطی و سیاسی ادامه یافت. هم‌زمان، تغییر برنامه‌های درسی، تدریس برنامه محور^۴ و نوآوری در روش‌های تدریس و ارزشیابی دانشجویان نیز در دستور کار قرار گرفت. این اقدامات که به عقیده برخی از صاحب‌نظران ژاپنی از جمله پول (۲۰۰۳، ص ۱۵۲) اولین بار در تاریخ دانشگاه‌های ژاپنی، تغییر واقعی در یاددهی، یادگیری دانشگاهی ایجاد نمود، به تدریج میان سایر دانشگاه‌های غیر دولتی که در رقابتی شدید برای حفظ شایستگی خود شرکت داشتند، گسترش پیدا کرد.

• **اقدامات دولت:** در اواخر قرن ۱۹، دولت ژاپن در اثر فشارهای خارجی و علاقه‌مندی خود برای رقابت با قدرتهای غربی، برای اصلاح نظام آموزش عالی، تلاش‌هایی را آغاز نمود. این تلاشها در طی دهه ۱۹۶۰، شکل تازه‌ای گرفت، زیرا این دوره با اعتراضات دانشجویان ژاپنی نسبت به کیفیت آموزشی که دریافت می‌کردند، کلاس‌های شلوغ، ارائه دروس با روش سخنرانی، عدم توجه به تفاوت‌های فردی و افزایش بی رویه شهریه همراه بود. این اعتراضات که به تدریج به سراسر جامعه گسترش یافت موجب شد دولتمردان ژاپنی با توجه به اینکه آموزش عالی محور اصلی رشد اقتصادی است، به گسترش دانشگاهها اقدام کنند. از این رو دهه‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰، دوره رشد سریع دانشجویان و افزایش تعداد دانشگاههای غیر دولتی و دولتی بود. رشد کمی که با افت کیفیت همراه بود باعث ادامه اعتراضات دانشجویان و جامعه شد. لذا در دهه ۱۹۷۰، مسوولان ژاپنی در

¹. Poole

². Faculty of policy management

³. Faculty of environmental information

⁴. Syllabus based

واکنش به نارضایتی‌ها، برای اولین بار بعد از جنگ جهانی دوم دست به ارائه طرح‌هایی ویژه برای اصلاح آموزش عالی زدند.

اولین طرح که در سال ۱۹۷۶ از سوی شورای مرکزی آموزش و پرورش به این وزارتخانه ارائه شد خواهان کنترل توسعه مؤسسات آموزش عالی در سالهای ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۰ بود. اقدام دیگر دولت، ارائه قانون «کمک‌های مالی تشویقی به دانشکده‌های خصوصی»^۱ در سال ۱۹۷۵ بود که در واقع تلاشی از سوی دولت برای محدود نمودن گسترش سریع آموزش عالی غیر دولتی بود. به عقیده اگنور (۲۰۰۱) وزارت آموزش و پرورش بر اساس این قانون، از طریق ارائه کمک هزینه به دانشگاه‌های غیر دولتی تا سقف ۵۰ درصد از هزینه‌های حمایتی (جاری)، کنترل خود را بر این مؤسسات افزایش داد. هر دانشگاه غیر دولتی برای دریافت این کمک قابل توجه، مجبور بود در یک دوره پنج ساله (۱۹۸۰-۱۹۷۵)، درخواست دولت در مورد عدم ایجاد کالجها یا دانشکده‌های جدید یا افزایش تعداد دانشجویان ثبت نام کننده را به جز در موارد خاصی که جامعه به آنها نیاز داشت، بپذیرد. همچنین از دانشگاه‌های غیر دولتی خواسته شد گزارش مالی دوره‌ای مطابق با دستورالعمل‌های تعیین شده توسط دولت مرکزی تهیه کنند این حرکت به سمت دخالت بیشتر دولت در آموزش عالی، در ۱۹۸۴ با ایجاد کمیته‌ای مشورتی که مستقیماً به وزیر آموزش و پرورش گزارش می‌داد و توصیه‌هایی را برای اصلاح آموزش عالی ارائه نمود، به اوج خود رسید. هم‌زمان شورای ملی اصلاح آموزش و پرورش تشکیل شده و به بررسی نیازهای اساسی برای متناسب شدن با قرن ۲۱، سازماندهی و سیستمی نمودن یادگیری مادام‌العمر، توسعه آموزش عالی، سازگاری با جهانی شدن و قرن اطلاعات و بازنگرایی در مدیریت و منابع آموزشی پرداخت. این شورا، گزارش‌نهایی خود را در سال ۱۹۸۶ منتشر نمود و در آن توصیه‌هایی در مورد رشد تحصیلات تکمیلی، اصلاح رویه‌های گزینش داوطلبان ورود به دانشگاه و بهبود و توسعه مؤسسات آموزش عالی متناسب با پیش‌بینی روندهای جمعیت شناختی در گروه سنی ۱۸ ساله‌ها ارائه نمود. این شورا، همچنین، توصیه نمود که «شورای دانشگاهی جدید» ایجاد شود. این شورا در ۱۹۸۷ تشکیل شد و تا سال ۱۹۹۸ به مطالعه و بررسی اصلاحات توصیه شده توسط شورای مرکزی آموزش و پرورش

¹ The Private School Promotion Subsidy Law

پرداخت و استراتژی‌هایی را برای بهبود کیفیت آموزش، پژوهش و تصمیم‌گیری در دانشگاه‌ها ارائه نموده و به تدوین شیوه‌های بهتر برای ارزیابی این مؤسسات پرداخت (اوزاکی، ۱۹۹۷، ص ۱۶۰؛ اگنور، ۲۰۰۱، ص ۱۵-۱۲).

در این تلاش‌ها، علاوه بر تأکید بر درگیری مستقیم دولت در اصلاح آموزش عالی، استقلال دانشگاه‌ها نیز بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. به طوری که در گزارش ۱۹۷۱ شواری مرکزی آموزش و پرورش، مدیریت دانشگاه‌ها محور اصلی توصیه‌ها بود. این گزارش بر اهمیت ساختار مدیریت سازمانی تأکید داشت و در جستجوی نظامی با اختیارات بیشتر و مطابق با آن مسئولیت بیشتر برای دانشگاه بود. شواری ملی آموزش و پرورش در گزارش ۱۹۸۷ خود، استقلال بیشتر دانشگاه‌ها را توصیه نمود. به همین دلیل قوانین و جهت‌گیری‌ها در اداره امور آموزش عالی در ژاپن به گونه‌ای تجدید نظر شد که به دانشگاه‌های غیر دولتی در تصمیم‌گیری‌هایشان، اختیارات بیشتری داده شود. برای مثال استانداردهای تأسیس دانشگاه ارائه شده در قانون آموزش مدرسه‌ای (۱۹۴۷) و استانداردهای کیفیت اعضای هیات علمی، چارچوب برنامه‌های درسی، الزامات فارغ‌التحصیل شدن و حداقل استانداردهای تسهیلات و تجهیزات مورد تجدید نظر قرار گرفت. این روند، در اصلاحات شورای دانشگاه در ۱۹۹۸ دنبال شد. اگنور (۲۰۰۱) به نقل از اوزاکی (۱۹۹۷) تأکید می‌کند این تجدید نظرها برای دانشگاه دولتی و غیر دولتی استقلال بیشتر در برنامه‌های درسی فراهم نمود. همچنین منجر به کاهش نظارت ارزیابانه این مؤسسات توسط وزارت آموزش و پرورش شد (ص ۲۰-۱۹).

محور دیگر اقدامات دولت تلاش برای جستجوی راههای جهانی سازی آموزش عالی در ژاپن بوده است. در اواخر سال ۲۰۰۷، خط مشی سازمانی در مورد تبادل اعضای هیأت علمی و دانشجو میان دانشگاه‌های ژاپن و سایر کشورها تهیه شد. در خط مشی های قبلی به جذب دانشجوی خارجی اولویت داده شده بود و در سال ۱۹۸۳، اعلام شد تعداد آنها باید به ۱۰۰۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۳ برسد. اما در سال ۲۰۰۷ این هدف به ۳۰۰۰۰۰ دانشجوی بین‌المللی افزایش یافت و از ۳۰ دانشگاه خواسته شد تا نقش کلیدی را در تحقق این هدف بازی کنند. این افزایش موجب شد وزیر آموزش و پرورش در اواسط همین سال، از جمله دستورالعمل‌های استراتژیک در نوآوری بیست و پنجم برای ملت

برتر در ۲۰۲۵ را، اصلاح دانشگاه، افزایش در تعداد اعضای هیأت علمی خارجی، تدریس بیشتر با زبان انگلیسی و کاهش مرزبندی‌های برنامه ریزی شده میان علوم پایه و علوم انسانی اعلام کند (پوکایر، ۲۰۰۹، ص ۵). البته اغلب مؤسسات خصوصی به علت حاکمیت ساختار دولتی دانشگاهی و کمبود منابع مالی تا کنون نسبت به اجرای این خط مشی ها بی اعتنا بوده اند (پوکایر، ۲۰۰۹، ص ۱۶).

ج- راهبردهای پیشنهادی صاحب نظران و پژوهشگران ژاپنی

با بررسی چالشها و مشکلات بخش خصوصی در آموزش عالی و اصلاحات انجام شده از سوی دولت و مدیران این دانشگاهها، صاحب نظران و پژوهشگران ژاپنی نیز به نقد این اصلاحات پرداخته و راهکارهایی را برای موفقیت هر چه بیشتر دانشگاه‌های غیر دولتی در رویارویی با چالش‌های ذکر شده، ارائه نموده‌اند که محور اصلی آنها سازگاری با پدیده جهانی شدن، مقابله با کاهش جمعیت ۱۸ ساله‌ها، جستجوی منابع مالی جدید، دانشگاه پاسخ ده به چالش، توسعه شغلی کارکنان و بهبود و اصلاح رهبری و مدیریت دانشگاه- هاست که در ادامه بررسی می شوند.

- **سازگاری با پدیده جهانی شدن:** به عقیده کاگامی (۲۰۰۱) ایده جهانی شدن به سرعت جایگزین ایده جهانی سازی می شود و نوآوری توام با ریسک مانند آموزش بدون مرز را اجتناب ناپذیر می سازد (ص ۳). جهانی شدن به معنی گسترده، عمیق و سریع شدن ارتباطها در سراسر جهان از طریق تجارت خارجی، رفت و آمد افراد فراتر از مرزها، ارتباطات هماهنگ و متقابل، انتقال اطلاعات در زمان واقعی و ایجاد یک محیط شبیه سازی شده شبکه ای است (مارجینسون، ۲۰۰۴، به نقل از کاستلز^۱، ص ۱۴). جهانی شدن تأثیر چشمگیری بر آموزش عالی داشته و موجب افزایش تقاضا برای جابه‌جایی متخصصان و گسترش بازار جهانی در آموزش دانشجوی خارجی شده و امکان وجود یک شبکه جهانی را تسهیل می کند. در این شبکه، دانشگاه‌ها در تمام جوامع با یکدیگر همکاری باز و شفاف دارند و برای جذب دانشجوی خارجی با یکدیگر رقابت می کنند. در عرصه پژوهش نیز استانداردهای جهانی از طریق این شبکه تعیین می شود (مارجینسون، ۲۰۰۴، ص ۱۴). محققان ژاپنی تذکر می دهند دانشگاه‌های ژاپن باید با جستجوی شیوه های مناسب با این

¹.Castells

چالش سازگار شوند. آنها باید توجه داشته باشند، رقابت جهانی در آموزش عالی یک حقیقت است. در این میان، یک نظام ملی یا بازار که دارای ضعف بوده و مبنای رقابت در آن برد و باخت های شدید است، برای رقابت در سطح جهانی دچار شکست خواهد شد. بنابر این، لازم است دانشگاه‌های ژاپن رقابت با یکدیگر را به همکاری اثربخشی تبدیل کنند که به آنها امکان دهد در خارج از کشور، رقابتی موفقیت آمیز داشته باشند. به عقیده مارجینسون (۲۰۰۴، ص ۱۶) کاهش جمعیت نه تنها درآمد ملی آموزش عالی را کاهش داده بلکه موجب افت کیفیت آن نیز شده است. با حضور اثربخش تر در مقیاس جهانی، دانشگاه‌ها می‌توانند تا حدودی شکاف جمعیتی را پر کرده و منابع بیشتری را برای بهبود کیفیت فراهم کنند.

واضح است، در بازار جهانی، دانشگاه‌های برتر و قوی مشکلی ندارند اما مؤسسات غیر دولتی ضعیف‌تر با مشکل روبرو هستند. این مؤسسات در همکاری با دانشگاه‌های سایر کشورها، جذب دانشجوی خارجی و آماده کردن دانشجویان داخلی و خارجی برای ورود به بازار کاری که استاندارد های آن به صورت جهانی تعیین می‌شود و به مهارت‌های قابل انتقال در سطح جهانی نیاز دارد، محدودیت دارند. برای رفع این محدودیت راهکارهای پیشنهادی مارجینسون (۲۰۰۴) عبارتند از: دادن استثنای مالیاتی به دلیل کاهش جمعیت، کاهش تدریجی برد و باخت در رقابت ملی به وسیله ارتقای سطح پایه و کاهش سطح متوسط استاندارد های کیفیت در بخش دولتی و غیر دولتی، کاهش شدت رقابت و برتری جویی مؤسسات مشابه به ویژه گروه‌های مشابه ضعیف و جایگزین ساختن آن با همکاری های وسیع‌تر (ص ۱۷). از نظر مارجینسون (۲۰۰۴) ملتی که در صدد است در بازار جهانی آموزش عالی نقش موثری ایفا کند، به کیفیت‌های چندگانه شامل توانایی بالا در پژوهش و ارتباطات/ فناوری اطلاعات، همچنین، دانشجویان و کارکنان قوی و فعال در داخل و خارج نیاز دارد. شواهد نشان می‌دهد در عرصه جهانی، ملت‌ها و دانشگاه‌های اثربخش‌انتهایی هستند که نسبت به محیط جهانی باز بوده و بدون از دست دادن هویت خود، با سایر ملتها و فرهنگها تعامل دارند. اغلب آنها به فراتر از یک استراتژی واکنشی حرکت کرده و در شکل دهی نظام آموزش عالی جهانی سهمی شده و مشارکت جدی در جهان دارند. برای رسیدن به چنین موقعیتی دانشگاه‌های ژاپن نیاز به تغییر دارند (مارجینسون، ۲۰۰۴، ص ۱۷).

• **مقابله با کاهش جمعیت افراد ۱۸ ساله:** به عقیده آنزای (۲۰۰۳) مسأله کاهش جمعیت ۱۸ ساله‌ها، با افزایش تعداد دانش‌آموزان دوره متوسطه که خواهان ورود به دانشگاه هستند تا حدودی جبران شده است. به طوری که در سال ۱۹۶۳، تنها ۳۰ درصد از دانش‌آموزان مدارس متوسطه به دانشگاه راه یافتند، اما در سال ۲۰۰۳ این تعداد به ۵۰ درصد رسیده است. از منظر دانشگاه، این تغییر در ترکیب دانشجو معرف عنصر جدیدی در رقابت میان دانشگاه‌هاست، زیرا برای پاسخ‌گویی به افزایش تقاضا که بیشتر متوجه دانشگاه‌های غیر دولتی و دولتی معتبر است، این مؤسسات نیازمند تعریف کارکردهای ویژه خود و تبیین اهدافشان از یک سو و تغییر استانداردهای پذیرش خود از سوی دیگرند تا بتوانند در مسابقه با سایر مؤسسات به حیات خود ادامه دهند. این مسأله، تمام دانشگاه‌های دولتی و غیر دولتی را با چالش روبرو نموده مبنی بر اینکه پایین آوردن استانداردهای پذیرش باعث می‌شود تعداد بیشتری دانشجو وارد دانشگاه شود اما هم‌زمان، کیفیت کلی آنها نیز پایین تر خواهد آمد. در مقابل تعیین استانداردهای بالاتر موجب کاهش تعداد دانشجویان می‌شود که برای دانشگاه‌های غیر دولتی مشکلات بسیاری مانند کاهش منابع مالی را به دنبال دارد. مارجینسون (۲۰۰۴) معتقد است بهترین راهکار، کنار گذاشتن نگاه بازار محور به آموزش عالی و رقابت میان دانشگاه‌های غیر دولتی و دولتی است. هم‌زمان دادن یارانه بیشتر به مؤسسات غیر دولتی که هدف اصلی آن بهبود تدریس و پژوهش باشد می‌تواند از کیفیت حمایت کرده و آن را بهبود بخشد. سیاست‌گزاران نیز باید بکارگیری خط مشی عملکرد محور در اداره امور، مدیریت تخصصی و ارتباط‌های جهانی پیشرفته را در دانشگاه‌ها اعم از دولتی و غیر دولتی رواج دهند. راهکار دیگر به عقیده اوبارا (۲۰۰۵، ص ۱۰) و سلزر^۱ (۲۰۰۶، ص ۱) آن است که دانشگاه‌های غیر دولتی به دنبال جستجوی دانشجویان بالقوه از قبیل دانشجویان سایر کشورها و دانشجویان بزرگسال باشند. در سال‌های گذشته بر اساس توصیه‌های وزارت آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها برای جذب دانشجویان خارجی تلاش کرده‌اند اما آمارها نشان می‌دهد تعداد آنها رشد قابل توجهی نداشته است. در جذب این تعداد کم نیز میان دانشگاه‌های دولتی و غیر دولتی، همچنین میان دانشگاه‌های غیر دولتی دارای رتبه برتر با سایر دانشگاه‌ها تفاوت وجود دارد. این تفاوت نشانگر این حقیقت است

^۱.Selzer

که دانشجویان خارجی بیشتر تمایل دارند در دانشگاه‌هایی که دارای وجهه اجتماعی و از لحاظ علمی، معتبر و معروف می‌باشند، به تحصیل مشغول شوند.

بنابراین، جذب دانشجویان خارجی، یک انتخاب عاقلانه برای بیشتر دانشگاه‌های غیر دولتی است و باید انجام شود. این دانشگاه‌ها باید برای دانشجویان خارجی در طی دوره تحصیل شان خدمات حمایتی فراهم نموده و مسکن آنها را تأمین نمایند. همچنین، آنها را برای یافتن شغل جهت تأمین بخشی از هزینه‌های مالی خود، یاری کنند (اوبارا، ۲۰۰۵، ص ۱۱). افزون بر این، به عقیده مارچینسون (۲۰۰۴، ص ۱۶) اگر زبان گفتاری و نوشتاری در دانشگاه‌ها متکثر شود و نه تنها زبان انگلیسی بلکه زبان‌های دیگری مانند کره ای را هم در بر گیرد، ژاپن می‌تواند محل مناسبی برای آموزش دانشجویان خارجی شود. به علاوه، با مذاکره پیرامون نظام‌های چندگانه، به رسمیت شناختن دانشگاه‌ها و دوره‌ها، انتقال اعتبار) معتبر شناختن آموخته‌ها در جاهای دیگر) و تسهیل شیوه اخذ گذرنامه، جابه‌جایی کارکنان و دانشجویان میان مرزها می‌تواند افزایش یابد.

پذیرش دانشجویان بزرگسال نیز راهکار دیگری برای جبران کاهش جمعیت ۱۸ ساله‌هاست. تقاضای ورود به دانشگاه از سوی بزرگسالان به دلیل بحران شدید اقتصادی، جستجوی موقعیت بهتر شغلی و تبلیغات، در حال افزایش است. با این وجود، استانداردهای ورود به دانشگاه، مانع موفقیت آنها شده است. اولین دلیل آن این است که سن تحصیل در دوره‌های کارشناسی، به گونه‌ای است که اکثریت دانشجویان این دوره‌ها جوانان هستند و چون جامعه ژاپن به شدت بر حسب مراحل سنی طبقه بندی شده است، دانشجویان بزرگسال، از سوی دانشجویان جوان پذیرفته نمی‌شوند. در نتیجه، گروه بزرگسال، به ثبت نام در برنامه‌های تحصیلات تکمیلی، به جای دوره‌های کارشناسی تمایل دارند. دومین دلیل این است که دانشجویان بزرگسال دانشکده‌های حرفه‌آموزی^۱ را ترجیح می‌دهند. این دانشکده‌ها، هم مهارت‌های عملی و هم دانش مرتبط با شغل را به دانشجویان ارائه می‌دهند. سومین دلیل این است که تعداد دانشگاه‌هایی که برنامه‌های خود را در بعد ازظهرها مخصوص دانشجویان بزرگسال ارائه می‌دهند و تسهیلات و تقویم زمانی برگزاری کلاسهای آنها با شرایط و ویژگی‌های این دانشجویان متناسب است، محدود می‌باشد.

^۱. Training schools

بنابراین، اگر چه جذب دانشجویان بزرگسال به منظور حل مساله کاهش جمعیت دانشجویان سستی، راهکار خوبی است اما برای دانشگاه‌های غیر دولتی، مستلزم اصلاحات اساسی در خط مشی‌های پذیرش دانشجو و ارائه دوره‌های آموزشی است (اوبارا، ۲۰۰۵، ص ۱۱-۱۲).

• **جستجوی منابع مالی جدید:** متخصصان ژاپنی معتقدند دانشگاه‌های غیر دولتی به بحران مالی، باید با شیوه‌های نوآورانه پاسخ داده و تلاش کنند تا منابع مورد نیازشان را از منابع دولتی فراتر برده و از شرایط و فرصت‌های خوبی که کمپانی‌های خدمات مالی فراهم می‌کنند، بهره گیرند. به عقیده ترنر (۲۰۰۶) کاهش حمایت‌های مالی دولت، خطرناکی جدی برای دانشگاه‌های غیر دولتی به دنبال دارد. در آینده دانشگاه‌هایی می‌توانند انتظار داشته باشند بتوانند با کاهش شهریه و پول مقابله کنند که از طریق سرمایه گذاری‌های بیرونی و رشد آنها، پول بیشتری را فراهم کنند (ترنر، ۲۰۰۶، به نقل از کیجی راتا، ص ۳) و از توانایی‌های بالقوه و ویژه خود نیز بهره گیرند. برای مثال برگزاری برخی از آزمون‌ها را در انحصار خود بگیرند و در مقابل آن حق الزحمه دریافت کنند.

به عقیده ترنر (۲۰۰۶، ص ۳) و سلزر (۲۰۰۶، ص ۲) دانشگاه‌های غیر دولتی باید پذیرند دانشگاه نیز یک محل تجاری است. در نتیجه، استراتژی‌های خود را مطابق با اصول بازار کار تغییر دهند. لازم است سیاست سرمایه‌گذاری دارای ریسک کم مبتنی بر بازده دو درصد را به سرمایه‌گذاری دارای ریسک متوسط یعنی سپرده‌گذاری در بانک که دارای اطمینان خاطر بوده و بازده چهار درصد دارد تغییر دهند. در مقابل از دولت نیز انتظار می‌رود تا اجازه دهد دانشگاه‌های غیر دولتی تعهدات تجاری خود را افزایش دهند. البته باید توجه داشت مدیران بسیاری از دانشگاه‌ها و کالج‌های غیر دولتی افراد ماهری در تجارت نیستند. بنابراین، به عقیده ترنر (۲۰۰۶، ص ۳)، دانشگاه‌های غیر دولتی برتر می‌توانند از شهرت خود هم برای افزایش شهریه‌های و هم دریافت کمک‌های اهدایی بهره گیرند. اما دانشگاه‌های متوسط و پایین که به سختی قادر به دریافت این کمک‌ها هستند، برای افزایش منابع مالی خود لازم است به گسترش طیف عملکردهای خود پردازند و به انجام کارهایی مانند ارائه تسهیلات ورزشی به عموم مردم مبادرت ورزند.

¹ Kiji kata

• **بکارگیری مدل دانشگاه پاسخ ده به چالش:** به عقیده کاگامی (۲۰۰۱، ص ۵-۶) دانشگاه‌های غیر دولتی مانند سایر دانشگاه‌ها، ارگان‌یسمی هستند که زندگی آنها وابسته به تعامل با محیط بیرونی است. بنابر این، ساختار سازمانی آنها باید به چالش‌های ناشی از تغییرات در دنیای پیرامونشان پاسخ دهد. برای این منظور، باید از مدل « دانشگاه پاسخ ده به چالش» استفاده کنند. مطابق با این مدل، دانشگاه دارای سه عنصر دانشجو یا یادگیرنده، عضو هیأت علمی و سایر کارکنان است. در دانشگاه‌های کنونی، دانشجویان رهگذرانی محسوب می‌شوند که ۴ سال از دوره تحصیلات رسمی شان را پس از گذراندن آزمون ورودی در دانشگاه سپری می‌کنند و تنها نیاز آنها، کسب مدرک دانشگاهی برای دستیابی به شغل و استخدام شدن است. در دانشگاه پاسخ ده به چالش، دانشجویان کاتالیزورها یا شتاب دهنده‌هایی تلقی می‌شوند که نه تنها تغییرات اجتماعی را به سازمان‌های دانشگاهی می‌آورند بلکه خود عامل ایجاد چالش‌ها هستند. این جایگاه مثبت، آنها را برای ایفای نقش دانشجویان یادگیرنده آماده می‌کند. نقش استاد در حمایت از دانشجویان یادگیرنده و تعامل با آنها مانند کاتالیزوری است که پارادایم تغییر از آموزش به یادگیری را سرعت می‌بخشد. آنها با توجه به اینکه پیشرفت در فناوری اطلاعات و ارتباطات باعث کاهش تفاوت در دسترسی به داده‌ها و اطلاعات میان اساتید و دانشجویان شده و شیوه متداول انتقال یک سویه را با چالش روبرو ساخته، با استفاده از شیوه‌های مناسب به این چالش پاسخ می‌دهند. نقش کارکنان در رده مدیریت حمایت از یادگیری است و حمایت ضمنی دانشجویان، راهنمایی تحصیلی، مشاوره و پشتیبانی را شامل می‌شود. سایر کارکنان به عنوان ارائه دهندگان خدمات تحت عنوان معاون یا منشی به تدریس و پژوهش می‌پردازند و باید متخصص باشند. در دانشگاه پاسخگو اساتید و سایر کارکنان در سطحی مشابه اما با وظایف شغلی متفاوت قرار دارند به طوری که عملکرد شغلی متنوع بوده و ارتقای شغلی به راحتی انجام گیرد. در این دانشگاه رابطه متقابل، صمیمیت و زندگی با یکدیگر به جای دوگانگی اساتید و دانشجویان و فاصله میان اساتید و سایر کارکنان، عناصر فرهنگی سازمانی را تشکیل می‌دهد.

• **توسعه شغلی کارکنان و مدیران:** یکی از راهبردهای مورد نظر محققان ژاپنی برای مقابله با چالش‌ها، توسعه شغلی کارکنان اعم از آموزشی و غیر آموزشی و به ویژه

مدیران از طریق مؤسسه های موجود است. در این زمینه، اکنون مؤسسه دانشگاهها و کالجهای غیر دولتی^۱ و مؤسسه مدیریت دانشگاهی در ژاپن^۲ مشغول فعالیت هستند. مؤسسه دانشگاهها و کالجهای غیر دولتی در سال ۱۹۵۱ با عضویت ۲۳ دانشگاه غیر دولتی و تحت حمایت وزارتخانه آموزش و پرورش آغاز بکار کرد. در حال حاضر ۱۲۱ دانشگاه و کالج در آن حضور دارند. هدف آن تشویق دانشگاهها و کالجهای بخش خصوصی به حداکثر تلاش برای حفظ اقتدار و آزادی از فشار مؤسسات خصوصی که در تأمین منابع مالی به آنان کمک می کنند و توسعه فرهنگ علمی است. سایر اهداف این مؤسسه عبارتند از:

۱- همکاری متقابل و تبادل اطلاعات میان مؤسسات عضو که علاقه مند به پژوهش و آموزش می باشند؛

۲- پژوهش پیرامون شیوه مدیریت و اداره دانشگاهها و کالجها؛

۳- انتشار کتاب و مجله درباره آموزش و پژوهش، مدیریت و اداره دانشگاهها و کالجها؛

۴- فعالیت در زمینه امور رفاهی و کمک به دانشجویان، اساتید و مدیران دانشگاهها و کالجها؛

۵- انجام سایر فعالیتها به منظور تحقق اهداف مؤسسه.

بر اساس این اهداف، مؤسسه تا کنون کارگاهها و همایشهایی را به منظور ایجاد انگیزش در کارکنان دانشگاهها و کالجهای عضو برگزار نموده و گزارش آنها را میان اعضا توزیع نموده است که به تغییر نگرش کارکنان درباره نقش جدید شغلی شان کمک نموده است. این مؤسسه در تعامل با کارکنان در رده مدیریت دانشگاههای غیر دولتی بر ضرورت فرهنگ یا جو سازمانی دانشگاه تأکید دارد.

مؤسسه مدیریت دانشگاهی، مؤسسه ای جدید با تعهدی متفاوت است. این مؤسسه در نوامبر ۱۹۹۷ با مشارکت مدیران دانشگاهها و کالجهای با سابقه غیر دولتی در ژاپن تشکیل شده و در حال حاضر ۶۰۰ عضو از مؤسسات مذکور را پذیرفته است. هدف اصلی آن توسعه شغلی اعضا و برقراری ارتباطی شبکه ای میان آنهاست. این مؤسسه هر سال نشستی عمومی برگزار می کند و دارای سه گروه کاری است. اقدامات مهم این مؤسسه عبارتند از:

¹.The Association of Private Colleges and Universities(JAPCU)

².Japan Association of University Management(JUAM)

اجرای پروژه تعیین سطح مهارت مدیران دانشگاه‌های غیر دولتی، بحث درباره عملکرد شغلی کارکنان و بررسی ویژگی‌های کسانی که می‌خواهند سمت مدیریت را بر عهده بگیرند، انتشار دایره‌المعارف عملکرد شغلی کارکنان و توصیف حیطه وظایف مدیران دانشگاهی در دانشگاه‌های غیر دولتی ژاپن (کاگامی، ۲۰۰۱، ص ۶-۷).

• **اصلاح و بهبود رهبری و مدیریت دانشگاه‌های غیر دولتی:** در سال‌های اخیر، لزوم اصلاح شیوه‌های مدیریت و رهبری در دانشگاه‌های غیر دولتی، محور بحث بسیاری از صاحب‌نظران و محققان ژاپنی بوده است. اوبارا (۲۰۰۵) بر اساس نتایج پژوهش خود با عنوان: «رهبری دانشگاه در دانشگاه خصوصی»، می‌نویسد: «دانشگاه‌های خصوصی به رهبران فعالی نیاز دارند که بتوانند در فرمول بندی و اجرای خط‌مشی‌های دانشگاه نقش فعالی ایفا نموده و دانشگاه خود را به شکلی رهبری و مدیریت کنند که بتواند موجودیت اثربخش خود را به دور از خطر ورشکستگی و خارج شدن از میدان رقابت، حفظ کنند». به عقیده وی رهبران بسیاری از این دانشگاه‌ها اکنون توانسته‌اند میان شیوه‌های قوی و ضعیف رهبری حد وسط و تعادل را برگزیده و رویکردهای نوآورانه و قابل پذیرش را برای مدیریت مشکلات بکار گیرند (ص ۶). البته همان‌طور که اگنور (۲۰۰۱)، تذکر می‌دهد شرط لازم برای موفقیت مدیران دانشگاه‌های غیر دولتی، اعطای استقلال به آنهاست. در این زمینه شورای مرکزی آموزش و پرورش و شورای دانشگاه، در سطح وزارت خانه آموزش و پرورش، توصیه‌هایی ارائه نموده‌اند. این توصیه‌ها، برای دانشگاه‌های غیر دولتی همانند دانشگاه‌های دولتی، استقلال بیشتر در برنامه‌های درسی فراهم نموده است. وزارت آموزش و پرورش نیز اصلاحات زیادی را انجام داده که شامل خود ارزیابی^۱، انعطاف پذیری نظام-های تحصیلات تکمیلی، توسعه بیشتر برنامه‌های دوره کارشناسی و نظام مدیریت دانشگاه می‌باشد. این در حالی است که به عقیده اوزاکی (۱۹۹۷، ص ۱۶۲) و اوبارا (۲۰۰۵، ص ۸۵) توصیه‌های مربوط به اصلاحات مدیریتی تأثیر قابل ملاحظه‌ای در ساختار مدیریت دانشگاه‌های غیر دولتی و دولتی نداشته است. توصیه‌های مربوط به اصلاح مدیریت دانشگاه که توسط شورای ملی آموزش و پرورش و شورای دانشگاه ارائه شده بود از نظر مفهومی با آنچه که شورای مرکزی آموزش و پرورش امروزه بعد از حدود بیست سال ارائه نموده

^۱ Self – inspection.

است، تفاوت چندانی ندارند. این مساله، گویای این حقیقت است که تغییرات بسیار کمی در نظام مدیریتی دانشگاه به وجود آمده است. گواه دیگر تحلیل قدرت نظام مدیریتی، کاهش وجهه اجتماعی دانشگاه‌ها و رو به وخامت گذاشتن وضعیت مالی آنهاست. دانشگاه‌ها به ویژه دانشگاه‌های غیر دولتی با فشارهای جدی در بودجه، در زمانی روبرو هستند که فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی آنها خواستار بودجه بیشتری است. رشد مشکلات مالی نه تنها ثبات و پایداری مؤسسات غیر دولتی آموزش عالی را تهدید می‌کند بلکه موجب وابسته‌تر شدن آنها به دولت شده و استقلال دانشگاه‌ها را تحت تأثیر قرار داده است (ص ۱۶۲). در حالی که استقلال دانشگاه شرط اساسی موفقیت مدیریت دانشگاه در ایفای نقش اصلی خود در فعالیتهای آموزشی و پژوهشی است. بنابراین، به عقیده صاحب نظران ژاپنی، چالش پیش روی دانشگاه‌های ژاپن به ویژه در بخش غیر دولتی، در قرن ۲۱، انتقال از سیستم منفعلانه کنونی که امکان دخالت دولت و تمرکز بیش از حد را فراهم می‌کند به یک سیستم فعال و در نتیجه استقلال هر چه بیشتر آنهاست (اوزاکی، ۱۹۹۷، ص ۱۶۳؛ اوبارا، ۲۰۰۵، ص ۸۷). با این اصلاح، امید می‌رود مدیران دانشگاه‌ها قوی‌تر شده و بتوانند به دانشگاه کمک کنند تا به شکل کارآمدتری با مشکلات کنونی که با آنها روبرو هستند مقابله کنند (اگنور، ۲۰۰۱، ص ۲۰).

نتیجه گیری

آموزش عالی غیر دولتی در ژاپن، از حدود سالهای ۱۸۵۶-۱۸۵۸، به طور رسمی آغاز شده و سابقه نسبتاً طولانی دارد. این نظام اکنون، درون نظام کنونی آموزش عالی در این کشور، دانشگاه‌های غیر دولتی نقش اساسی را بر عهده دارند. در سال‌های اخیر، دانشگاه‌های غیر دولتی در ژاپن به سرعت افزایش یافته اند. به طوری که در سال ۲۰۱۰، از ۷۴۹ دانشگاه موجود در این کشور، ۵۸۰ دانشگاه خصوصی یا غیر دولتی بوده‌اند. بنابر این، درون نظام کنونی آموزش عالی، دانشگاه‌های خصوصی دارای جایگاه ویژه بوده و از لحاظ قانونی برابر با دانشگاه‌های دولتی (ملی و محلی) هستند، اما در عمل شرایط و موقعیت آنها متفاوت است. این مؤسسات در مقایسه با دانشگاه‌های دولتی، از نقاط قوتی مانند، هویت قوی دانشگاهی، مدیریت مستقل از کنترل دولت و آزادی عمل در پیوستن به کارهای تحقیقاتی و آموزشی و سرمایه‌گذاری در بخش صنعت برخوردارند، اما وقوع برخی

تحولات در سطح جهانی و ملی که همه مؤسسات آموزش عالی در ژاپن را با چالش روبرو کرده بر دانشگاه های غیر دولتی تأثیر بیشتری گذاشته و آنها را با چالش های جدی تری مواجه ساخته است. مطالعات انجام شده در این کشور نشان می دهد دانشگاه های غیر دولتی با چند چالش عمده شامل جهانی سازی آموزش عالی، توسعه فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی، تغییر ارزش دانش دانشگاهی، کاهش جمعیت افراد ۱۸ ساله، کاهش نظارت دولت بر استانداردهای تأسیس و اداره دانشگاه، مشکلات مربوط به تخصیص سهمیه ثبت نام دانشجویان، رقابت با دانشگاه های دولتی در جلب اعتماد عمومی، کیفیت فعالیت های آموزشی و تأمین منابع مالی، در نتیجه افت کیفیت رو برو می باشند. تا کنون برای رفع چالشها، دولت و دانشگاه های غیر دولتی اقدامهایی را انجام داده اند. صاحب نظران ژاپنی نیز راهکارهایی را پیشنهاد کرده اند که با به کارگیری آنها مسولین دانشگاه های غیر دولتی این کشور توانسته اند تا حدودی با چالش ها مقابله و در حفظ و افزایش کیفیت فعالیت های این دانشگاه ها موفق شوند.

در طی سال های اخیر تحولات اجتماعی، اقتصادی، علمی و فناوری باعث شده تا در کشور ما نیز آموزش عالی غیر دولتی یا غیر انتفاعی رشد چشمگیری داشته باشد. دانشگاه های غیر دولتی آموزش تعداد کثیری از دانشجویان را بر عهده گرفته اند. بدیهی است این دانشگاه ها اگر بخواهند وظیفه خود را به خوبی انجام دهند، لازم است اطمینان جامعه، اعضای هیأت علمی، دانشجویان و دولت را نسبت به این موضوع که کوشش های آنها از کیفیت لازم برخوردارند جلب کنند و از ساز و کارهای مناسب برای بهبود کیفیت استفاده نمایند. اما وجود برخی از چالشها مانند وابستگی به نظام تصمیم گیری و مدیریت دولتی؛ عدم واگذاری کامل اختیارات؛ لزوم اخذ مجوزهای متعدد برای راه اندازی رشته جدید و گرفتن سهمیه ثبت نام؛ محدودیت در اعطای کمک های مالی از طریق وام های بلند مدت با بهره کم و عدم امکان تأمین هزینه های جاری موجب کاهش کیفیت فعالیت های آنها شده است. لذا باید برای رفع آنها چاره اندیشی نمایند. یکی از راه های جسجوی راهبردهای مناسب، استفاده از تجربیات کشورهایمانند ژاپن می باشد. اگر چه دو کشور از لحاظ سطح پیشرفت در ابعاد مختلف مانند بعد اقتصادی، علمی، فناوری و صنعتی با یکدیگر متفاوتند و در شرایط اجتماعی و فرهنگی متفاوتی به سر می برند، اما از لحاظ پدیده هایی

که آموزش عالی دو کشور را تحت تأثیر قرار داده مثل جهانی شدن یا رشد فناوری های اطلاعات و ارتباطات تقریباً وضعیت مشابهی دارند و مطالعه تطبیقی چالش های این نوع دانشگاه در دو کشور نشان می دهد؛ بخشی از آنها در دو کشور مشابه اند. بنا براین، بر اساس تجربیات ژاپن می توان گفت بخش آموزش عالی در ایران اگر بخواهد به الزام های پدیده هایی مانند جهانی شدن یا رشد روز افزون دانش و فناوری پاسخ دهد باید مشارکت بخش خصوصی را در ارائه آموزش عالی توسعه دهد و به منظور ارتقای کیفیت این دانشگاه ها، برای رفع چالشهایشان چاره اندیشی نماید. از جمله اقدامات، کاهش نظارت دولت از طریق تمرکز زدایی و واگذاری اختیارات بیشتر در تصمیم گیری های مربوط به آموزش و پژوهش به مسوولان دانشگاه های غیر دولتی یا غیر انتفاعی و تشکیل شورای نظارت و ارزیابی دانشگاه های غیر دولتی در سطح وزارت خانه علوم، تحقیقات و فناوری است. با اعطای استقلال بیشتر به این دانشگاه ها مسئولین آنها می توانند برای مقابله با مشکلات و ارتقای کیفیت فعالیت ها از راهبرد هایی که در کشور ژاپن استفاده شده الهام گرفته و با اتخاذ شیوه های نوآورانه متناسب با شرایط وامکانات کشور به چالش ها پاسخ دهند. آنها می توانند راهبردهایی مانند موارد زیر را به کار گیرند:

- برقراری روابط مبتنی بر همکاری دوجانبه با دانشگاه های دولتی؛
- بکار گیری مدل هایی مانند مدل دانشگاه پاسخ ده به چالش؛
- توسعه شغلی مداوم کارکنان و مدیران از طریق راهکارهایی مانند ایجاد مؤسسه یا واحدهای ویژه این نوع آموزشها؛
- توسعه آموزش و پژوهش از طریق تأسیس دانشکده ها و راه اندازی رشته های تحصیلی جدید؛

- تغییر و نوآوری در برنامه درسی، روش تدریس و شیوه ارزشیابی دانشجویان؛

- ارتقای کیفیت آموزش، پژوهش و خدمات به منظور جذب دانشجویان خارجی و دانشجویان بزرگسال؛

- جستجوی منابع مالی جدید از طریق سرمایه گذاری های بیرونی دارای ریسک کم، افزایش تعهدات تجاری و همکاری با بخش صنعت، گسترش طیف عملکرد ها از جمله ارائه تسهیلات ورزشی و در انحصار گرفتن برگزاری برخی آزمونها؛

فهرست منابع

اقبالی، علی (۱۳۸۷)، "گفتگو با پدر آموزش عالی خصوصی ایران". ماهنامه دنیای اقتصاد، شماره ۱۷۲۷.

آل آقا، فریده؛ کشاورز، محسن و رحیمی، محسن (۱۳۸۸)، "روند رشد کمی آموزش عالی خصوصی و دولتی در کشور جمهوری اسلامی ایران"، دانش و پژوهش در علوم تربیتی. شماره ۲۰، صص ۷۳-۱۱۰.

حیدری عبدی، احمد (۱۳۸۵)، "بررسی رابطه میان آموزش عالی و بازار کار در ژاپن"، بر گرفته از: www.Lmis.ir/Jobportal

ریبیعی، علی؛ نظریان، زهرا. (۱۳۹۰)، "عوامل موثر در سیاست‌گذاری آموزش عالی با رویکرد اصل"، ۴۴ فصلنامه راهبرد، شماره ۶۱، صص ۲۴۷-۲۷۶.

رستمی نسب، عباسعلی. (۱۳۸۴)، "مبانی تاریخی خصوصی سازی مدارس و مراکز آموزش عالی در ایران قبل و بعد از اسلام"، نامه علوم انسانی، ش ۸۴، صص ۶۰-۸۲.

گال، مردیت؛ بورگ، والتر و گال، جویس. (۱۳۸۲)، "روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی"، ترجمه احمد رضا نصر و همکاران. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی. (۱۳۸۵-۸۶)، آمار آموزش عالی. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۸۷)، "جایگاه بخش آموزش عالی در برنامه‌های توسعه". برگرفته از: سایت وزارت علوم و تحقیقات و فناوری.

نجفی، محمد علی (۱۳۸۷)، "ایران دانشگاه خصوصی ندارد"، روزنامه دنیای اقتصاد، ش ۱۶۵۹، صص ۱۰-۹.

Asonuma, A. (2002), "Finance Reform in Japanese Higher Education", Higher Education: 43, 109-125.

Akabayashi, H. (2007), "Private Universities and Government Policy in Japan", International Higher Education, Vol. 42.

Anzai, Y. (2003), "University Reform in Japan: Current State and Future Perspectives", The international universities barium.

Egnor, C.M. (2001), "Government of a Private Japan University before and after the 1998 Universities Council Reforms", Bell & Howell Information and Learning Company: UMI 3012824.

Kagami, T. (2004), "Japanese Private Universities, Challenges Caused by Societal Changes and Institutional Responses to Cope with Them", Retrieved from: www.helsinki.fi/imua2001/kagami.pdf.

- Motohisa, K. (1988), "*Changing Patterns of Finance in Higher Education*", Paris: Organisation for Economic Cooperation and Development (OECD).
- Marginson, S. (2004), "*Global and National Markets in Higher Education*", Australia: Monash Center for Research in International Education.
- Obara, K.C. (2005), "*niversity Leadership at Private Universities in Japan*", ProQuest Information and Learning Company: UMI 3218646.
- Osaki, H. (1997), "*The Structure of University Administration in Japan*". Higher Education: Vol. 34, PP.151-163.
- poole, G. (2003), "*Higher Education Reform in Japan*", International Education Journal: Vol. 4, No. 3, PP. 149-167.
- Pokarier, C. (2009), "*Internationalization as driver of university reform in mature system?: Mixed evidence from Japan*", Retrieved from: www.Unescubkk.org/education/apeia/.../papers/presentations/
- Selzer, M.A. (2006), "*Global Market Principles and Challenges for Private University Reform in Japan*", Retrieved from: m.selzer@ir.ritsumei.ac.jp.
- Teixerra, P. & Amaral, A. (2002), "*Private Higher Education and Diversity: an Exploratory Survey*", Higher Education Quarterly: 55(4), 359-395.
- Takakura, K. (2007), "*Strengths and Weaknesses of Public and Private Universities: a View from Japan*", Retrieved from: www.intconfhighered.org.
- Turner, D. (2006), "*Japanese Universities Prepare Survival Strategies after Funding Crackdown Falling Student Numbers*", London: Financial Times.
- Unesco.(2002). Higher education in 21st century, "*World conference of higher education*", Paris:Unesco.
- Woolgar, L. (2007), "*New Institutional Policies for University- Industry Links in Japan*", Retrieved from: www.ScienceDirect.com.
- Yonezawa, A. (2007), "*Japanese Flagship Universities at a Crossroads*", Higher Education, Vol. 54, PP.483-499.

